

مطالعه تطبیقی شعر ابو القاسم لاهوتی

وفیض احمد فیض

پایان نامه

برای

دریافت پیش دکتري زبان و ادبیات فارسی

نگارش

رضی حیدر

به رهنمای

دکتر اخلاق احمد انصاری



مرکز مطالعات زبان و ادبیات فارسی و آسیای مرکزی

دانشکده مطالعات زبان و ادبیات و فرهنگ

دانشگاه جواهر لعل نهرو

دهلی نو-۱۱۰۰۶۷

۲۰۰۸ م

Jawaharlal Nehru University

New Delhi 110067



Centre of Persian & Central Asian Studies
School of Language, Literature & Culture Studies

Dated: 29/07/08

Declaration

I declare that the material in this dissertation entitled "Comparative Study of the Poetry of Abul Qasim Lahuti and Faiz Ahmad Faiz" submitted by me is an original research work and has not been previously submitted for any other degree of this or any other university/ institution.

Razi Haidar

Razi Haidar

Name of Scholar

[Signature]

Dr. Akhlaque Ahmad Ansari
Supervisor

CP&CAS/SLL&CS/ JNU
Centre For Persian &
Central Asian Studies
SLL&CS
Jawaharlal Nehru University
New Delhi - 110067

[Signature]
29/7/08

Prof. Akhtar Mahdi
Chairperson

CP&CAS/SLL&CS/ JNU
Chairperson
Centre For Persian &
Central Asian Studies
SLL&CS
Jawaharlal Nehru University
New Delhi - 110067

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم

به پدر و مادر مهربان

که گوهر بی پایان

بر من افشاندند

اینهمه صنعت گریها ای پدر بهر تو نیست!

فهرست

پیشگفتار

فصل اول:

اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در نیمه اول قرن

بیستم میلادی

۱۲

فصل دوم:

اوضاع سیاسی و اجتماعی شبه قاره هند در قرن

بیستم میلادی

۳۰

فصل سوم:

احوال و آثار ابوالقاسم لاهوتی و فیض احمد فیض

۹۵

فصل چهارم:

مطالعه تطبیقی شعر ابوالقاسم لاهوتی و فیض احمد فیض

۱۲۸

نتیجه گیری

۱۳۱

فهرست منابع و مراجع

پیش گفتار

ایران و هند از زمان باستان ارتباط نزدیکی و پیوند خاصی داشته اند. و از فرهنگ و اجتماع يك دیگر تاثیراتی گرفته اند. و در بعضی از مسایل اشتراك هم ورزیده اند. اشتراك بزرگ اینگونه در قرن بیستم میلادی هم بنظر می خورد. درین قرن در ایران حامیان جامعه گرائی و مویدان نهضت کمیونستی موجود بودند. همانطور در هند هم هواداران و طرفداران نظریات مزبور فعالیت داشتند. در ایران وقتی که ابو القاسم لاهوتی به ترویج و تشویق نظریات کمیونستی سرگرم بود، در هند فیض احمد فیض درین کار، اشغال داشت.

لا هوتی یکی از سرشناسان شاعران ایران و بهسازگران اجتماع بود. وی حامی نظریات ترقی خواهان و مترقیان ملت گرایان بوده و نه فقط در نهضت‌های کمیونستی شرکت نموده بلکه آن را به کمال هم رسانیده. وی اشعار خود را به بهسازی اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران بکار برد و بتوسل اشعار خود علیه عقب ماندگی، خرافات و توهمات اجتماع ایران مبارزه نمود و به بهروزی ستمدیدگان و تهیدستان اجتماع طرفداری کرد.

لا هوتی بتوسل غزلها، نظمها و مثنویهای خود اندیشه های کمیونستی را ابراز نمود و نظام سرمایه داری را مورد نکوهش قرار داد.

فیض احمد فیض مانند لاهوتی در اشعار خود اندیشه های کمیونستی را به اظهار آورد و اقدار بشری، آزادی فردی را تائید نمود. و نظام سرمایه

ب

داری و استعماری را مورد انتقاد قرار داده.

اگر چه لاهوتی و فیض در کشور مختلف تولد یافتند و در زبان های مختلف شعرها سروند ولی اشعار هر دو تشابه بسیاری دارد. اندیشه های کمیونستی ، افکار ترقی خواهی و ملی گرائی در اشعار هر دو بنظر می خورد. این لایق تذکر هست که چند تا تفاوت هم بین هر دو شاعر هست. لاهوتی یک سیاستمدار بود و شعرها مبرهنه‌آ سروده. ولی فیض شعرها را به توسط سمبول و استعاره سرانیده.

این تطابق و تشابه و تفاوت اشعار هر دو بر من تاثیرات عمیقی گذاشته.

و به همین دلیل موضوع برای در یافت پیش دکتری من قرار گرفته.

مقاله پیش دکتری من ، مشتمل بر چهار فصل و نتیجه گیری است.

فصل اول : درین فصل اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در نیمه اول قرن

بیستم میلادی مختصراً ذکر شده است.

فصل دوم : درین فصل اوضاع سیاسی و اجتماعی شبه قاره هند را مورد

بحث قرار داده ام.

فصل سوم : درین فصل احوال و آثار لاهوتی و فیض و اشعار هر دو شاعر را

مورد مطالعه آورده ام.

فصل چهارم : درین فصل مطالعه تطبیقی شعر ابوالقاسم لاهوتی و فیض احمد

فیض و مطالعه تطبیقی اشعار هر دو جای یافته است و تفاوت و تشابه اشعار

هر دو شاعر بمیان آمده است.

در آخر این مقاله فهرست منابع و مأخذ به ترتیب حرف تهجی نگاشته شده است.

در پایان لازم است که استاد متعال و راهنمایی این پایان نامه آقای دکتر اخلاق احمد انصاری را یاد کنم که مسئولیت راهنمایی این مقاله را پذیرفتند و در تمام مراحل مقاله نویسی مرا یاری کردند و هر گاهی که دشواری‌ها سرزده آن را نا پیدا کردند. من از ایشان سپاس گزار هستم.

به این مناسبت من نمیتوانم از همکاری‌های بعضی از دوستان، اغماض کنم که در فراهم آوردن موارد علمی به من معاونت کرده‌اند. ازین نامهای آقای عبدالواسع، سجاد احمد خان، محمد پرویز عالم، علی اکبر شاه، سهیل احمد، احسان الحق، محمد مستقیم، منظور علی، رفیع احمد، ذکی احمد، محمد عمر، محمد جابر زمان، محمد نسیم قابل ذکر اند من از همه ایشان سپاس گذاری میکنم.

درین موقع معاونت و معاضدت صمیمانه خانم تبسم جهان نیز در خور تشکر است.

و در اخیر بخداوند تعالی به پیروزی و موفقیت خودم التجا میکنم.

رضی حیدر

دانشگاه جواهر لعل نهرو

دهلی نو

۲۱-۷-۲۰۰۸ م

فصل اول

اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در نیمه اول قرن

بیستم میلادی

اوضاع سیاسی ایران در نیمه اول قرن بیستم

مظفرالدین شاه پس از قتل ناصرالدین شاه در سال ۱۸۹۶ میلادی (۱) به تخت شاهی ایران جلوس کرد. وی مرد نجیب خوش دل و ضعیف النفس بود. و از اطلاعات سیاسی و تاریخی ایران بابلد بود. وی علاقه مند ترقی ملت خود بود. ولی چون ضعیف و بی اراده بود و به همین دلیل قادر به عمل کردن خود نبود. به همین سبب مردم ایران از سلطنت او نگران بودند.

چنانکه مظفرالدین شاه جسماً علیل و روحاً ضعیف بود به همین جهت رغبت به فرمانفرمائی و رسیدگی به کارهای مملکتی نداشت. و تمام امور حکومت از دست صدر اعظم نوری و درباریان بود. چنانکه مظفرالدین شاه با کمک نمایندگان خارجی بر تخت شاهی رسید بود، به همین سبب مظفرالدین فقط بعنوان شاه رسمی ایران بود. وقتی که در سال ۱۹۰۵ میلادی فرماندار تهران در جرم گران کردن شکر حکم فلك زدن کرد، ایرانیان اولین بار علیه صدر اعظم تهران مبارزه کردند و آن نهضت بعداً به شکل نهضت مشروطیت گرفت. در عهد مظفرالدین شاه نمایندگان خارجی امتیازات گوناگون داده شدند. مردم ایران در سال ۱۹۰۵ میلادی در شهر شمال ایران توده مشتعل بر مجاهدین تشکیل دادند. سبب این بود که نفوذ انقلاب روسیه در منطقه شمال ایران بیشتر

بود. این منطقه از نظر اقتصادی پیشرفت زیادی کرده بود. سپس پسرش محمد علی شاه قاجار در سال ۱۹۰۸ میلادی بر تخت شاهی ایران نشست. وی مخالف مشروطیت بود. (۲) مخالفین مشروطیت در میدان توپ خانه علیه مشروطیت و آزادی خواهان هنگامه برپا کردند. شاه با تشویق نیروهای خارجی در سال ۱۹۰۸ مجلس را بتوپ بست و مشروطیت منحل گردید. در سال ۱۹۰۷ قرار سوم انگلستان و روسیه به امضاء رسید که بموجب آن ایران در سه منطقه نفوذ منقسم گردید. (۳) بحکم شاه عده ای از آزادی خواهان و علماء چون عبد الله بهبهانی و طباطبائی تبعید گردید. وعده شامل مرزا جهانگیر و سید جمال الدین افغانی شهید شدند. در نتیجه آتش انقلاب در تهران، اصفهان، رشت، مشهد و نقاط دیگر فروخت. محمد علی شاه در ژوئن ۱۹۰۹ میلادی به به سفارت روسیه پناه برد. بعد او مستعفی شد و پسرش سلطان احمد میرزا ولیعهد به طرف شاهنشاهی ایران اعلام کرد. پس حکومت یک سال و بیست روز به انجام رسید. و محمد علی شاه از ایران رانده و به روسیه پناه برد.

سلطان احمد شاه بتاريخ ۱۸ / ژوئن در سال ۱۹۰۹ میلادی برای پادشاهی ایران منتخب شد. آن وقت عمرش فقط دوازده سال بود. دولت روسیه در شمال ایران و دولت انگلیسی در جنوب ایران بطور کلی تسلط داشت. به جهت ضعیف دولت مرکزی و نفوذ شدیدی خارجیان وضع

اقتصادی مملکت در هر گوشه از کشور باغیان سر به طغیان برداشتند.
 در سال ۱۹۲۰ میلادی اغتشاشات داخلی در گیلان و تبریز به اوج رسید. درین هرج مرج کودتای به تاریخ ۲۱ / فوریه ۱۹۲۱ م رخ داد. که بموجب آن رژیم شاه روی کار آمد. رضا شاه که اول وزیر جنگ بود در سال ۱۹۲۳ میلادی بحیث نخست وزیر بعهده گرفت. نفوذ وی بتدریج روبه افزایش یافت. آخرین پادشاه سلسله قاجاری احمد شاه درین دوره ناامنی پراز هرج مرج سیاسی واجتماعی در اروپا بسر می برد. پس دولت قاجار در سال ۱۹۲۱ م سقوط کرد.

رضا شاه در سال ۱۹۲۱ میلادی در تهران وارد شد. (۴) بعد از کودتای در پایه تحت تهران وشهرهای دیگر اعلام حکومت نظامی کرد، ولی نیروی دولت جدید در رهبری سید ضیاء الدین طباطبای تشکیل یافت. او در سال ۱۹۲۱ میلادی به عهده وزارت جنگ رسید. او در سال ۱۹۲۹ میلادی به عهده نخست وزیر انتخاب شد. هدف اول او حکومت جمهوری ونظامی و دموکراسی در ایران بود، ولی موفق نه شد، زیرا که او خود دکتاتور گشت. وی اقدام گوناگون وفکرهای جدید در حق ایرانیان رواج داد.

در عهد رضا خان هرج مرج سیاسی، اقتصادی، اجتماعی وتحولات فکری وجود آمد. رضاخان ماموریت خود را بخوبی انجام داد. وی در مدت پانزده سال پادشاهی نسبت به پیشرفت خدمت مهمی انجام

داد. وی در زمینه های متعدد خصوصاً ارتش نظامی از سر نو تشکیل داد. علاوه بر این شه راه های جدید بین شهرهای بزرگ ساخت و در هر جنبه ایران قطار راه آهن درست کرد. بانک اقتصادی و صنعتی و فلاحی تاسیس کرد و وسایل بازرگان توسعه داد، مدارس و دانشکده به طرز جدید آغاز کرد. رضا خان در زمینه کارنامه دیگر و رسانی چون تلفن و پوست خانه پیشرفت زیادی کرد. برای تحفظ ساختمان قدیم اقدام گوناگون کرد. درین ضمن مقابر فردوسی، حافظ، سعدی را تعمیر کرد در امور سیاسی و دولتی دخالت علماء کمتر شد. برای بهبود زنان کارهای مهمی انجام داد. در مدت پادشاهی او اوضاع اجتماعی ایران در هر گوشه تحول یافت.

در سال ۱۹۴۱ میلادی رضا خان مجبور به تبعید و ترک ایران کرد پسرش محمد رضا به سلطنت رسید و متفقین و دیگران با نیروهای بریتانیا شوروی ایران را اشغال کردند.

بروز ۲۹ ژانویه سال ۱۹۴۲ میلادی بین اتحاد شوروی، انگلستان و ایران قرار دادی در تهران به امضاء رسید که در آن دولت مزبور متعهد شد که در سراسر خاک ایران بی طرف استقلال آنها محترم بشمرند و تاکید کردند که این اشغال صرفاً هدف نظامی دارد و پیمان بستند که ارتش شوروی و انگلیسی تا شش ماه پس از جنگ ایران تخلیه خواهد کرد. (۵)

بالاً خر شکست و تسلیم ژاین جنگ جهانی دوم سپتامبر در سال ۱۹۴۵ میلادی به پایان رسید و توسط پیمان بین متفقین و ایران که در سال ۱۹۴۲ میلادی امضاء شده بود، باید پس از شش ماه جنگ جهانی دوم ایران را ترک بگویند. نیروهای امریکا و انگلیس به عهده خود وفا کردند ولی دوست اتحاد جماهیر شوروی سر بازان خود را از خاک ایران بیرون نکرد. (۶)

طرف دیگر دشمنان شاه را علیه شاه برانگیخته، بالا خر ایران با کمک امریکا به شوروی امنیت بین المللی شکایت کرد و سپس شوروی در سال ۱۹۴۷ میلادی ارتش خود را از ایران بیرون کرد.

اوضاع اجتماعی ایران در نیمه اول قرن بیستم میلادی

علماء و روحانیون : نفوذ طبقه علماء و روحانیون بر اجتماع ایران از زمان قدیم تا امروز مانده است. در عهد قاجار فعالیت علماء و روحانیون یک کمی تغییر یافت زیرا که در عهد صفوی فعالیت علماء و روحانیون زیاد بود. ولی در عهد قاجار فعالیت آنان کم شد. در عهد قاجار علماء و روحانیون علیه حکومت و سیاست خارجی بودند. علماء و روحانیون در دوران مشروطیت نقش مهمی ایفا نمودند بعد از کودتای ۱۹۲۱ میلادی در عهد رضا شاه بنظر می رسد که از پسران روحانیون که اسمش سید

ضیاء الدین طباطبائی بود، عهدهٔ نخست وزیر یافت.

رضا شاه در آغاز حکومت خود علماء و روحانیون را خیلی مورد توجه قرار داد که آنان مخالف سستم جمهوری بودند. وی در شهر قم که مرکز روحانیون بود، رفت و مذاکره کرد. و در سال ۱۹۲۴ میلادی اعلام کرد که:

”دولت وی همیشه کوشش کرده است تا دین اسلام

شگوفه باشد. و روحانیت حفظ گردد.“ (۷)

ولی بعد از جلوس کردن بر تخت شاهی رضا شاه نفوذ علماء و روحانیون را در اجتماع ایران کم کرد. دلیلش این است که رضا شاه در سال ۱۹۲۸ میلادی کلاه ملی ممنوع قرار داد و لباس اروپایی را اجباری کرد.

در اوایل عهد محمد رضا شاه نفوذ علماء و روحانیون زیاد نه بود. محمد رضا شاه در جهت کاهش نفوذ علماء و روحانیون مدرسه را بدست حکومت آورد. این طور آشکار است که در عهد قاجار و پهلوی نفوذ علماء و روحانیون بتدریج کم شد.

طبقه ملاک و فئودالها : این طبقه در عهد قاجاری در اجتماع ایران مقام مهمی حایج کرده بود. در دولت نفوذ زیادی داشت. زیرا که پادشاهان قاجاری برای خیره کردن خزانه خودشان بفروش اراضی دوستی را آغاز کردند. به همین علت دهقانان مجبور شدند که بجای گشت

محصولات فلّاتی و جدیدی دست بزنند زیرا که این طبقه ملاک و فئودالها در اوایل قرن بیستم بابا زار خارجی رابطه داشتند. و خریداری دولت اراضی کردند. و در منطقه گرد و نواح خود حکمرانی کردند. و بر دهقانان جبر و استبداد کردند. رضا شاه در عهد خود برای اصلاحات اراضی دولتی سعی نمود ولی او موفق نه شد.

طبقه حاکم : این طبقه از زمان قدیم در اجتماع ایران مقام مهمی داشت. با وجود تعداد قلیل بر ایران تسلط داشت و ثروت زیادی هم بدست آورد در عهد قاچاری نفوذ این طبقه فزون تر شده بود، ولی در عهد رضاشاه اختیارات حاکم کم شده. سبب این بود که رضا شاه بعد از انقراض حکومت قاچاری به سلطنت ایران رسیده بود. طبقه حاکم انقراض حکومت قاچاری ناروان قرار داس به همین سبب حکمران ایالتی علیه حکومت رضا شاه شورش پیدا کرد. اما رضا شاه با کمک آرتش قومی خود شورش حاکم پیدا کرد و افسران رضا شاه جای حاکم را گرفت. (۸)

طبقه اشراف : این طبقه در ایران مقام مهمی داشت. و مرتبه وی بعد از شاه ایران بود. و ماموریت مهمی کشور را در دست داشتند و از مقام و اداره دولتی استفاده کردند. بچه های این طبقه برای فرا گرفتن تحصیلات عالی به اوپا رفتند. و در رشته های گوناگون آشنایی پیدا کردند. چنانکه رضا شاه برای هدف متمرکز کردن امور کشور مبارزه

علیه اشراف کرد. و آنها از اطاعت وی منکر شدند. به همین سبب شاه آنان را به زندان افتاد. همانطور به نظر می رسد که در دوره حکومت رضا شاه نفوذ اشراف بتدریج کم شد. افسران و مامورین عالمی رتبه به جای اشراف گرفتند.

طبقه تجار : در اوایل عهد قاجار تجار خیلی اهمیت داشتند و هر نوع تجارت در دست داشتند. ولی به سبب وارد شدن تجار خارجیان اوضاع تجار ایرانیان دگرگون شدند. پادشاه قاجاری خارجیان را امتیازات گوناگون داد. حتی که این امتیازات و موافقت نامه را تجار خارجیان به سوی ایران کشید. مردم ایران ازین کالاها استفاده کردند. به همین سبب، در دوران نهضت مشروطیت تاجران ایران به مشروطه خواهان پیوستند. (۹)

دوران جنگ جهانی اول بازرگانی ایران باکشورهای دیگر قطع شده بود، ولی بعد از آمدن رضا شاه اوضاع کشور بهتر شد. رضا شاه برای بهتر کردن اوضاع اقتصادی کشور اقدام گوناگون کرد. در این زمینه اداره مالی گمرکی ایجاد کرد و حکومت ایران را برای ایجاد توازن بازرگانان در سال ۱۹۳۱ میلادی اداره کل تجارت تاسیس کرد. (۱۰)

کشاورزان : در عهد قاجار اوضاع کشاورزان دگرگون شده بود، زیرا که اراضی تحت تسلط ملاک و فتودالها بود. وقتی که نفوذ امپیریالستهای خارجیان در ایران زیاد شد وضعیت کشاورزان و دهقانان در ایران

دگرگون شده بود، زیرا که زمینداران بزرگ و جدید با بازار خارجی ارتباط داشتند و استثمار کشاورزان بیش از پیش افزودند. زمینداران بر آنها استبداد می کردند و دهقانان از حقوق اساسی از طرف دولت محروم بودند.

وضیعت زنان : وضیعت زنان در دوره قاجار دگرگون بود زیرا که زن از معاشرت و ملاقات و صحبت با مردان مجرد بود. بیشتر در گوشهٔ خامه محبوس بود. حتی اجازهٔ ملاقات با نزدیکان خود را هم نداشت. زنان ایران در حجاب بودند و از کلیله امتیازات اجتماعی آن زمان محروم بودند. در کشور ایران ظلم و ستمگری عادت ثانوی مردم شده بود. و هر کس که قوی تر و زورمند تر بود نسبت به زیر دست خود ظلم می کرد. مثلاً زنان از همه ضعیف تر بودند به همین سبب بر آنان مظالم هر گونه روا داشتند.

منابع و مأخذ

- (۱) ملک زاده دکتر مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، جلد اول، دوم، سوم، انتشارات علمی، ص: ۱۱۲، چاپ دوم.

- (۲) Ramazani, Rouhollah K. The Foreign Policy of Iran, The university press of Vergenia 1966. Page:22-93.
- (۳) ملك زاده دكتور مهدى ، تاريخ انقلاب مشروطيت ايران، ص: ۴۱۲.
- (۴) Milon, M.M. Making Iran Islamic Revolution from Monarchy to Islamic Republic, London, 1988. P:58.
- (۵) Wilber, Donald N. Rezeshah Pahlavi the Resurrection and Reconstruction of Iran, Pub:1975, P:206.
- (۶) قايم مقام، جهانگير، ايران امروز، چاپ دوم، ص: ۸۰.
- (۷) م، س، ايوانف، ترجمه هوشنگ ميزابي، ص: ۶۵.
- (۸) م، س، ايوانف، ترجمه هوشنگ ميزابي، ص: ۶۸.
- (۹) Upton, Joseph, M. The History of Modern Iran, Pub:Cambridge, P:26.
- (۱۰) قايم مقام، جهانگير. ايران امروز جلد دوم، ص: ۴۵.

فصل دوم

اوضاع سیاسی و اجتماعی شبه قاره هند در

قرن بیستم میلادی

اوضاع سیاسی و اجتماعی هند در قرن بیستم میلادی

هند دوران جنگ جهانی اول

در سال ۱۹۱۴ میلادی جنگ جهانی اول آغاز گردید. هند برای به کمک انگلیسها درین جنگ شرکت نمود. بریتانیه در جهت اظهار وفاداری از هند تعریف نمود دوران جنگ مهاتماگاندی برای استخدام ارتشی مردمان را برانگیخته.

علاوه بر گاندی رهبران دیگر هم درین جنگ از برطانیه حمایت کردند. این حمایت به این علت نه بود که هندی ها نسبت به برطانیه همدردی داشتند بلکه به این دلیل بود که آنها فکر کردند که حکومت بریتانیه پس از جنگ در جهت توسعه دیموکراسی اقدام مثبتی خواهد کرد. انگلیسها هم خودپیمان بسته بودند که پس از جنگ حقوق جایز به هندی ها اهدا خواهد شد. بالاخر جنگ در سال ۱۹۱۷ میلادی پایان یافت. (۱)

تاثیرات جنگ جهانی بر هند

پس از جنگ جهانی اول مردم عامه هند خیلی پریشانی شدند زیرا که قیمت‌های اشیای روزمره زیاد شد. تاثیرات این بر طبقه رنجبران و کشاورزان خیلی منفی شد. به همین سبب، پس از جنگ، نهضت کارگر شوری آغاز گردید. نخستین سازمان بنام "انجمن شوروی کارگران

مدراس“ بودند بنیان گذاروی جی راماسندر نائیدو و جی چیلاپتی بودند، دوران ۱۹۱۸-۱۹۱۹ میلادی اشیای غذایی کم شد و به همین سبب تاراج اشیای غذایی شروع شد. غله که در بازار بود تا راج کرده شد. در اوایل ۱۹۱۸ میلادی در حدود ۱۱۵ معازه در ممبئی تا راج کرده شده، کارمندان قطار دفتر بقالان را ربودند.

پس از جنگ جهانی اول مردم مخالفت حکومت انگلیسی شروع کردند آنان فقط از آن واقعات که در هند بوقوع می پیوست، تاثیر نه گرفتند، بلکه از آن همه واقعاتی که در سراسر جهان بوقوع می پیوست، تاثیر گرفتند. چنانچه در همان زمان در سال ۱۹۱۷ میلادی انقلاب بالشون بوجود تحت تاثیر این انقلاب مردمان هند نیز علیه نظام سرمایه داری و نیروهای استعماری صدا بلند کردند. پس از انقلاب روسیه عده ای از جوانان هند به روس مسافرت کردند و از انقلاب روس تاثیر گرفتند. (۲)

نهضت عدم همکاری

پس از جنگ جهانی اول واقعات مهمی مثلاً انقراض خلافت عثمانیه، طرح رولت و غیره رخ داد از این واقعات بین المللی گاندهی نیز تاثیر گرفت. به سبب سقوط خلافت عثمانیه مسلمانان هند خیلی خشمگین شدند و نهضت بزرگ بنام نهضت خلافت، شروع کردند.

ستیه گرها علیه رولت ایکت: در سال ۱۹۱۹ میلادی حکومت انگلیسی

رولت ایکت تصویب کرد تحت این قانون حکومت میتواندست هر کسی را بدون جرم گرفتار کرد. گاندی دربارهٔ این قوانین مردم سراسر هند راه آگاه ساخت. مردم هند علیه این قوانین اعتصاب کردند و تظاهرات بسیار در سراسر هند برگزار شد. بدین طریق گاندی سازمان ستیه گرها ماه فوریه سال ۱۹۱۹ تشکیل داد. (۳) در سال ۱۹۲۰ میلادی برای عدم همکاری به حکومت انگلیسی قطعنامه تصویب شده. درین قطعنامه ترک کردن جایزه ها و خطابات دولتی، داد گستری، اداره دانش و آموزش و تو لیدات کشور خارجی لازم قرار داده شده. این نهضت فوق العاده مؤثر واقع شد. رفاقت بین هندوها و مسلمانان جلوه گر شد. گاندی این نهضت به سبب خشونت در منطقه چوری چورا در ایالت اترپردیش و در شهر ممبئی را ختم کرد. (۴)

نهضت های کشاورزان: در راجستان در ۱۹۲۰ میلادی

نهضت علیه جاگیرداران شروع کرده بود. در سال ۱۹۲۷ میلادی دوباره در منطقه بجولیان فعالیت های زبردست شروع شد، کشاورزان در رهبری وجے سنگ پاتک (Vijay Singh Pathak) و مانک لال ورما (Manak Lal Verma) بر علیه مالیات مخالفت شروع کرده بودند در ماه مئی سال ۱۹۲۵ میلادی کشاورزان در منطقه نیمو ایالت الور به این علت کشته شدند که آنان بر خلاف افزایش مالیات اعتراض کردند.

سوامی ودیا نند در سال ۱۹۲۲ میلادی برای ختم کردن زمینداری

تقاضه کرد. این جی. رنگا. (N.G. Ranga) در سال ۱۹۲۳ میلادی در منطقه آندرا انجمن رعیت واری تاسیس کرد. که در طبقه کشاورزان بالا دست کار شروع کرد. حکومت انگلیسی در سال ۱۹۲۷ میلادی در منطقه کرشنا، گوداوری مالیات اضافه کرد و علیه آن در ساحل آندرا نهضت کشاورزان آغاز گردید. (۵)

طبقه زحمتکشان

در دوران سال ۱۹۲۴ میلادی تا ۱۹۲۷ میلادی شمار عضویت کنگره شوروی تجارت سراسر هند (AITUC) زیاد شد. درین دوران اعتصابی که برگزار شد تا مدت طولانی کشید. همین دوران رهبران کمیونستی و انقلابی پدیدار شدند. در سال ۱۹۰۲ میلادی ایس. این. هلدر (S.N. Halder) انجمن کارگران را تاسیس کرد. (۶)

در سال ۱۹۲۳ میلادی به سبب اعتصاب بزرگ در احمدآباد حدودش ۵۶ لباس کارخانه بسته شده. در همین زمان گاندی در زندان بود. در مدراس نخستین یوم مئی در سال ۱۹۲۳ میلادی برگزار شد. و در سال ۱۹۲۵ میلادی به سبب اخراج کردن یک رهبر شوروی اعتصاب بزرگ بوقوع پیوست. این اعتصاب خیلی مهم بود زیرا که یک تظاهر زبردست در لاهور برگزار شد درین کارمندان پرچم راباخون خود سرخ کرده بودند.

در سال ۱۹۲۳ میلادی در شهر ممبئی نهضت آزادی تحت پرچم

گرنی کامگار شروع شد. این نهضت تحت راهنمای مها مندل و جی آر کسله شروع شد. هردو در خانه لباس کارگر بود. ان نهضت را شوروی گرنی کامگار نام نهاد. این شوروی بعداً خیلی شهرت یافت. (۷)

ظهور کمیونست

بنیان گذار این نهضت انقلابی مشهور یوگانتری نازین بتا چارجی بود که بعداً بنام ایم. این. رائه معروف شد. او در میکسیکو کیمونیزم را مطالعه کرد و همان جا در سال ۱۹۱۹ میلادی. (۸) بارهبر نهضت باشوک مائیکل بارودن ملاقات نمود او ایم. این. رائه برای تبلیغ افکار کمیونیزم در هند انتخاب کرد. ایم این رائه در میکسیکو حزب کمیونست تاسیس کرد.

ایم این رائه به دعوت بنین در کنگره دوم بین المللی کمیونست در سال ۱۹۲۰ میلادی شرکت نمود. (۹) درین اجلاس ایم. این. رائه برای آزادی ملی کشورهای نوآبادی نظریه خود تقدیم کرد. در عقیده وی کمیونستی های هند در جدو جهد آزادی به کنگره ملی هند کمک نه باید کرد زیرا که کنگره در رهبری طبقه بورژوازی است. او با حکومت انگلیسی مصالحه خواهد کرد. او با حکومت انگلیسی طبقه تهیدست و زحمتکشان را استثمار خواهد کرد. در نظریه ایم. این. رائه در کشور هند حزب انقلابی وجود دارد ازین رو کمیونست را آن نهضت بایک کمک کرد. در نظریه لینین در کشورهای نوآبادی کمیونست را طبقه

بورژوازی کمک کرد زیرا که او برخلاف نیروهای امپریالیست هست.
 بهر حال درباره مسئله بورژوازی ملی در میان کمیونست هند
 و بیرون هند اختلاف مانده است. اکتبر در سال ۱۹۲۰ میلادی (۱۰)
 ایم. این. رائے ابانی مکرچی Abani Mukhaji با همراه محمد علی
 و محمد شفیق حزب کمیونست هند تاسیس در تاشقند تاسیس کردند.
 و اسکول سیاسی و علی شروع کردند.

در سال ۱۹۲۲ میلادی ایم. این. رائے مرکز خود به برلن منتقل کرد
 و از همان جا مجله ای بنام (Vanguard of India Independence) انتشار
 کرد. علاوه بر این با ابانی مکرچی (Transition in India) انتشار کرد.
 در همان دوران گروه دیگر هندی به سوی کمیونیسم متمایل گردید. از
 میان آنها ویریندر نات (Birinder Nath) بوپندر نات (Bhopinder Nath)
 و برکت الله بودند. (۱۱)

در سال ۱۹۲۵-۲۶ مظفر احمد، شاعر مشهور انقلابی نذر الاسلام
 و قطب الدین و هیمنت کمار حزب کارگر سوراچ را تشکیل دادند که بعداً
 بنام حزب کارگران و کشاورزان (Workers and Peasants party) معروف
 گشت. این را جوگ لیکر بنام کارگران و کشاورزان یک سازمان تشکیل
 داد. آن سازمان یک روزنامه بنام کرانتی انتشار. (۱۲)

به سبب ظهور گروه‌های مختلف کمیونستی در هند حکومت
 انگلیسی خیلی ترسیده بود. تاثیر کمیونیسم در هند از سال ۱۹۲۶

میلاادی زیاد شد. ولی این نهضت در دهکدها تاثیر زیادی نه گذاشت.

گذارش کمیوسون سائمن

وقتی که حکومت برطانیه بروز ۸ نومبر سال ۱۹۲۷ میلاادی کمیوسون تشکیل داد (۱۳) که مشتمل بر اعضای انگلیسی بود. درین کمیوسون هیچ هندی را شامل نه کرده شد. این برای هندی ها باعث ذلت و خواری شد. همین سبب برای رد کردن کمیوسون سائمن اعلان کردند و همه گروههای سیاسی واجتماعی هند مخالفت کمیوسون سائمن را کردند.

در سال ۱۹۲۸ میلاادی علیه کمیوسون سائمن هر جا تظاهرات آغاز گردید. (۱۴) و برای رد کردن سامان انگلیسی نهضت شروع شد. وقتی که کمیوسون سائمن به کلکته رسید. در حدود ۱۳۲ جلسه در منطقه کلکته برگزار شد. درین جلسه ها برای رد کردن سامان انگلیسی اعلان شد. لاله ل چیت رائے بروز ۳ / اکتبر در نتیجه تصادف باپلس لطمه خورده و بعداً وفات یافت در شهر لکهنؤ هم تظاهر بزرگ رخ داد. در آن تظاهر جواهر لعل نهرو و ولب پنت ضربه خوردند.

ارتش جمهوری سوسیالیست هند

”نهضت ارتش جمهوری سوسیالیست هند“ را در سال

۱۹۲۸ میلاادی بگت سنگ (Bhagat Singh) با دوستان چندر شیکر آزاد

(Chander Shekher Azad) سک دیو (Shukhdev) در میدان

فیروز شاه کوتله تشکیل داد. (۱۵)

مهمترین اقدام این گروه این بود که بروز ۱۷ دسامبر سال ۱۹۲۸

میلادی بگت سنگ، آزاد، راجگرو در شهر لاهور ساوند ر کس (

Saunders) را به قتل رساندند. این قتل در انتقام لاله راجپت رائے بود

و دوران تظاهر زخم خوردند و سپس وفات یافت. بروز ۸ / آوریل سال

۱۹۲۹ میلادی بگت سنگ با بتوکیسورت (Batu keswar Dut) در

پارلیمان بمب انداخت. (۱۶)

عضو ارتش جمهوری سوسیالیست هند در میان عوام هند قبولیت

فراوان یافت. وقتی که در سال ۱۹۲۹ میلادی دوران اعتصاب غذائی یکی

از عضو ارتش بنام جتن داس (Jatin Das) وفات یافت. در جنازه وی

عده کثیر مردم شرکت نمودند. این اعتصاب غذائی تا ۶۴ روز جاری

بود. (۱۷)

افکار اشتراکی در ادبیات

نهضت همکاری و مقاومت منفی میان نوجوانان تاثیر انداخت.

روشن فکران آن زمان به سبب اصول گرائی گاندی بدبین شدند. آنان

مسایل مردم عامه را مورد بحث قرار دادند. پریم چند يك رومان بنام

”گودان“ (Gudan) نوشت. در این رومان مسایل کشاورزان را مورد

بحث قراردادده است. قبل از وفات خود پریم چند يك مضمون بعنوان "تمدن قرضداری" (Mahajni Sabheyata) نوشت. درین مضمون اتحاد شوروی را مدح کرده بود و طبقه سرمایه داران را مورد انتقاد قرار داد بود.

پس از ترجمه رومان میکسم گورکی بنام "مادر" در ایالت آندرا (Andhra) درباره زندگی زحمتکشان آن زمان فراوان نوشته شده. شری شری از شهادت بگت سنگ تاثیر گرفت. او شعر بنام "ماره پراپنجم" نوشت همان طور مدکولکر از نهضت کارگر ممبی تاثیر گرفت او درباره اعتصاب کارخانه لباس بزبان مراتی (Marathi) داستان نوشت. (۲۰)

ماه آوریل در سال ۱۹۳۶ میلادی نخستین کنفرانس مصنفین انجمن ترقی خواه در شهر لکهنو برگزار شد. رئیس اجلاس منشی پریم چند بود (۲۱) مصنفین ترقی خواهان ادب در زبان اردو قبولیت فراوان یافت. در نتیجه این نهضت ادبیات اردو وسیله ای برای انعکاس مسایل مردم عامه طبقه تهیدست و کارمندان قرار گرفت.

TH-16055

نهضت ترك هند (Quit India Movement)

پس از عدم موفقیت کریس میش بروز ۴ / جولائی سال ۱۹۴۲ میلادی کمیته عملی کنگره يك جلسه برگزار شد. (۲۲) قطعنامه برای ترك هند تصویب شد. اگر این قطعه نامه حکومت انگلیسی قبول نه نمود پس از آن در رهبری گاندی نهضت عدم خشونت اداره خواهد شد. چنانچه بروز ۸ / اگست سال ۱۹۴۲ میلادی نهضت ترك هند آغاز گردید. بروز ۹ اگست ۱۹۴۲ میلادی در نتیجه این نهضت گاندی و همه عضوهای کمیته عملی کنگره گرفتار شدند. (۲۳) و کمیته کنگره سراسر هند و کمیته کنگره منطقه تحریم کرده شده. علیه این در سراسر کشور تظاهرات برگزار شد. عروج مسلم لیگ :

دوران سال آخر جنگ جهانی دوم مسلم لیگ خیلی مستحکم شد. زیرا که در آن زمان رهبران کنگره در زندان بودند و مسلم لیگ ازین موقع استفاده کرد و در ایالت متعدد حکومت خود را تشکیل داد. مثلاً در سال ۱۹۴۳ میلادی وزارت مسلم لیگ در سال ۱۹۴۲ میلادی در سند، اکتوبر ۱۹۴۲ میلادی در بنگال، مارس ۱۹۴۲ میلادی در ایالت سرحد تشکیل یافت. در آسام وزارت صلاح الدین و در سند وزارت اورنگ زیب خان به همین سبب تشکیل یافت که در آن زمان در هر دو ایالت اعضای مجلس کنگره بیشتر در زندان بودند. نخست وزیر کنگره ایالت به این دلیل بر طرف شده که او خطاب دولتی را بازگردانده بود.

بنگال و پنجاب برای جناح موجب پریشانی بود در حالیکه در هر دو ایالت جمعیت مسلمانان غالب بود. (۲۴)

دلیل پیشرفت مسلم لیگ علاوه بر سرپرستی حکومت نعره پاکستان هم بود توجه مسلمانان را به سوی خود کشید. همان طور کشاورزان مسلمان بنگال و پنجاب عقیده داشتند که اگر پاکستان بوجود بیاید استثمار زمینداران و تاجران هندوان ختم خواهد گشت. (۲۵)

کمیسیون میشن: در سال ۱۹۴۶ میلادی کمیسیون میشن به هند آمد. که مشتمل بر سه تا وزیر برطانیه و وزیر امور خارجه پیتک (لارنس)، (کرپس) و النکوپیندر بودند که بانمایندگان هند مذاکرت کردند. اغلب رهبران هند پیشنهاد وی را قبول نمودند، ولی مسلم لیگ این پیشنهاد را قبول نه کرد. به این علت که کمیسیون میشن از تقاضه پاکستان صرف نظر کرد. بالاخر در رهبری نهرو حکومت موقتی بروز ۲ ستمبر ۱۹۴۶ تشکیل یافت. جناح اولاً در حکومت موقتی شرکت نه کرد اما بعداً به اصرار نایب السلطنت او باهمراه چهار عضو در حکومت موقته بروز ۲۶/ اکتبر شامل شد. (۲۶) بروز ۲۰ فوریه ۱۹۴۷ (۲۷) نخست وزیر انگلیسی اعلام کرد که قبل از ۱۹۴۸ میلادی هند استقلال خواهد یافت در ماه مارس ۱۹۴۷ میلادی (لارند ماؤنیتن) از حیث نایب السلطنت به هند آمد. او پس از مشوره رهبران کنگره و مسلم لیگ برای آزادی هند روزی متعین کرد چنانچه بروز ۱۴ اگست سال ۱۹۴۷ میلادی پاکستان از حیث يك کشور بوجود آمد و هند بروز ۱۵ اگست سال ۱۹۴۷ میلادی آزادگشت.

اوضاع سیاسی و اجتماعی پاکستان پس از استقلال:

در سال ۱۹۴۷ میلادی در نتیجه عقیده دو ملت در شبه قاره هند پاکستان بوجود آمد. پاکستان در حدود پنجاه سال تحت تسلط ارتش بود. نخستین استاندار عمومی پاکستان محمد علی جناح بود که وی در حق حکومت پارلمانی، بود ولی او در انجام دادن این پیشنهاد موفق نه شد، وزودی وفات یافت. پس از مرگ وی آقای لیاقت علی نخست وزیر پاکستان شد و به انجام رسانیدن پیشنهاد جناح سعی کرد، ولی موفق نه شد. او در سال ۱۹۵۱ میلادی به قتل رسید، پس از آن تشکیل حکومت جمهوری مشکل شد، به همین علت تا سال ۱۹۵۵ میلادی در کشور پاکستان هیچ قانون وجود نداشت. حکومت در پاکستان پارلمانی نبود بلکه مربوط به بیور و کراتیک بود. چنانکه نخست وزیر خواجه نظام الدین باوجود اکثریت در مجلس قانون ساز در سال ۱۹۵۳ میلادی بدست استاندار غلام محمد برطرف شد. به همین علت ایوب خان در سال ۱۹۵۸ میلادی نخست رئیس قانون ارتش شد. و اقتدار سیاسی کشور را در منصب رئیس کشور مرکوز کرد. (۲۸)

در سال ۱۹۶۷ میلادی ذوالفقار علی بوتو حزب مردم (پپلزپارٹی) تاسیس کرد و در رهبری ذوالفقار علی بوتو دانشجویان علیه حکومت ایوب خان تظاهرات کردند. به همین سبب ایوب خان

استعفی داد و او از حیث ارتش عمومی یحیی خان را مامور کرد. یحیی خان هم برکشور قانون ارتشی تحمیل کرد. در دوران حکومت یحیی خان نخستین بار انتخاب در پاکستان برگزار شد. درین انتخاب عوامی لیگ در راهنمای مجیب الرحمن اکثریت بدست آورد. ولی طرفداران پیپلز پارتی حکومت عوامی لیگ را قبول نه کردند و در اقدام پارلمانی جلوگیری کردند. به همین علت در پاکستان شرقی اعتصاب عمومی و تظاهرات شدیدی آغاز گردید. بالآخره در سال ۱۹۷۱ میلادی یک کشور جداگانه بنام "بنگله دیش" بوجود آمد. و در نتیجه جنگ ۱۹۷۱ میلادی یحیی خان استعفی داد. ذوالفقار علی بوتو نخست وزیر شد. پاکستان پیپلز پارتی سبب نعره سوسیالزم اسلامی قبولیت فراوان یافت. اگرچه ذوالفقار علی بوتو دوباره نخست وزیر شد، ولی رئیس ارتش ضیاء الحق در سال ۱۹۷۷ میلادی حکومت را برانداخت و قانون ارتشی را تحمیل کرد. (۲۹)

از آغاز عهد حکومت ارتشی با جمهوری در پاکستان اصلاحات اراضی نشد، زیرا که جاگیرداران علیه اصلاحات اراضی بودند چرنل ایوب خان برای اصلاحات اراضی سعی نمود. ولی به سبب مخالفت جاگیرداری پنجابی و ارتشی موفق نه شد. فقط ۱۰۶ درصد اصلاحات اراضی شد. طرف دیگر ایوب خان بر منصب استنادار پاکستان غربی آقای نواب کالا باغ را مامور کرد. او جاگیرداری را تحفظ کرد.

به همین علت، انقلاب سبز در پاکستان موفق نه شد و کشاورزان بزرگ و متوسط پنجاب استفاده کردند. به همین سبب در منطقه دهکده‌ها نابرابری طبقاتی زیاد شد. پس از تقسیم پاکستان از لحاظ صنعتی ضعیف شد. در جهت پیشرفت پاکستان شیوه‌ای را پذیرفت که بر کشاورزان تاثیر منفی گذاشت. اغلب در اداره‌های دولتی افراد از پاکستان غربی بودند. و به آنها در حق خود پالیسی‌ها طرح دادند. نتیجه این پالیسی‌ها استثمار مردم پاکستان شرقی می‌شد. حتی در پیشنهاد پنج ساله از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۸ میلادی پاکستان شرقی را مورد پالیسی متعصبانه قرار دادند و هم از مالیات امدادی خارجی پاکستان شرقی را محروم کردند. به همین سبب نابرابری طبقات زیاد شد و این باعث تقسیم پاکستان گشت (۳۰).

سنت گرائی مذهبی:

از آغاز جامعه پاکستان با سنت گرائی، جبر مذهبی و تشدد دچار مانده است. نظریه محمد علی جناح درباره پاکستان سیکولر و جمهوری بود. ولی به سبب نفوذ گروه مذهبی گوناگون موفق نه شد بخصوص رهبر جماعت اسلامی مولانا مودودی درین جهت نقش مهمی ایفاء نمود. به همین سبب در دستور ۱۹۵۶ میلادی بجای نظریات سیاسی جدید مثلاً جمهوریت، سوسیالیزم پاکستان را جمهوری اسلامی نامیدند. وقتی که

در سال ۱۹۷۳ میلادی آئین جمهوری در رهبری ذوالفقار علی بوتو درست شده نخستین بار اسلام دین ملی پاکستان شد. درین آئین دانش و آموزش برای غیر مسلمانان لازم قرار داده شده.

تحت فشار گروه های اسلامی در ۱۹۷۷ میلادی از آئین پاکستان لفظ سوسیالزم را باین برده شد و بجای وی مساوات محمدی گذاشته شد در کشور تقاضای قیام نظام مصطفوی شدید تر شد.

در زمان ضیاء الحق نیروی دادگستری محدود گشت. جامعه

پاکستان معاصر تا سنت گرائی و قشری گری رو برو شد. (۳۱)

منابع و ماخذ

- (۱) سرکار، سمیت جدید ہندوستان، (مترجم ڈاکٹر مسعود ہاشمی) انتشار قومی کونسل برای فروغ اردو زبان، نئی دہلی، ۲۰۰۳، نخستین ایڈیشن، ص: ۱۹۲.
- (۲) سرکار، سمیت، جدید ہندوستان، ص: ۱۹۵-۲۰۱.
- (۳) Chandra, Bipan India's struggle for Independence, P- Penguin Books India, New Delhi, 1989, P:181.
- (۴) Chandra, Bipan India's struggle for Independence, P:192.
- (۵) سرکار، سمیت، جدید ہندوستان، ص: ۲۶۹-۲۷۰.
- (۶) سرکار، سمیت، جدید ہندوستان، ص: ۲۷۳-۲۷۴.
- (۷) سرکار، سمیت، جدید ہندوستان، ص: ۲۷۵-۲۷۶.
- (۸) قدوائی ڈاکٹر محمد ہاشم، جدید ہندوستان کے سیاسی اور سماجی افکار، انتشار قومی کونسل برای فروغ اردو زبان، نئی دہلی، ۲۰۰۴، ایڈیشن دوم، ص: ۳۵۰.
- (۹) قدوائی ڈاکٹر محمد ہاشم، جدید ہندوستان کے سیاسی...، ص: ۳۵۱.
- (۱۰) سرکار، سمیت، جدید ہندوستان، ص: ۲۷۶.
- (۱۱) سرکار، سمیت، جدید ہندوستان، ص: ۲۷۷.
- (۱۲) سرکار، سمیت، جدید ہندوستان، ص: ۲۷۹.
- (۱۳) سرکار، سمیت، جدید ہندوستان، ص: ۲۹۱.
- (۱۴) سرکار، سمیت، جدید ہندوستان، ص: ۲۹۶.
- (۱۵) Chandra, Bipan India's struggle for Independence, P:248.
- (۱۶) Chandra, Bipan India's struggle for Independence, P:249.
- (۱۷) Chandra, Bipan India's struggle for Independence, P:250.
- (۱۸) سرکار، سمیت، جدید ہندوستان، ص: ۳۰۰.
- (۱۹) سرکار، سمیت، جدید ہندوستان، ص: ۳۰۱.
- (۲۰) سرکار، سمیت، جدید ہندوستان، ص: ۳۷۴.

- (۲۱) اعظمی خلیل الرحمن، اردو میں ترقی پسند ازلی تحریک، ص: ۳۹،
ایجوکیشنل بک ہاؤس علیگڑھ، ۱۹۸۴۔
- Chandra, Bipan India's struggle for Independence, P:459. (۲۲)
- Chandra, Bipan India's struggle for Independence, P:460. (۲۳)
- (۲۴) سرکار، سمیت، جدید ہندوستان، ص: ۴۴۳۔
- (۲۵) سرکار، سمیت، جدید ہندوستان، ص: ۴۴۴۔
- S.C.Raychoudhry, History of Modern India, Surjeet Publication (۲۶)
2004, P:300.
- Chandra, Bipan India's struggle for Independence, P:495. (۲۷)
- (۲۸) حسین ڈاکٹر ظفر آغا، مزاحمت اور پاکستانی اور شاعری، ص: ۷۶-۷۷،
انتشار ایجوکیشنل پبلیشنگ ہاؤس، ۲۰۰۶ میلادی۔
- (۲۹) حسین ڈاکٹر ظفر آغا، مزاحمت اور پاکستانی اور شاعری، ص: ۷۸-۷۹۔
- (۳۰) حسین ڈاکٹر ظفر آغا، مزاحمت اور پاکستانی اور شاعری، ص: ۸۲-۸۴۔
- (۳۱) حسین ڈاکٹر ظفر آغا، مزاحمت اور پاکستانی اور شاعری، ص: ۸۹-۹۰۔
- (۳۲) حسین ڈاکٹر ظفر آغا، مزاحمت اور پاکستانی اور شاعری، ص: ۹۳۔
- (۳۳) حسین ڈاکٹر ظفر آغا، مزاحمت اور پاکستانی اور شاعری، ص: ۹۵۔

فصل سوم

احوال و آثار ابوالقاسم لاهوتی و فیض احمد فیض

شرح احوال و آثار ابو القاسم لاهوتی

ابو القاسم لاهوتی یکی از سخنوران دورهٔ مشروطیت بود که در سال ۱۳۰۵ ق (۱۸۸۷ میلادی) در شهر کرمانشاه متولد شد. نام پدرش الهامی بود که پیشهٔ کفش دوزی داشت. پدر و پسر هر دو شاعر و آزادی خواه بودند. (۱)

ابو القاسم لاهوتی در دامان خانوادهٔ با ادبیات و شعر و محیط ادبی کرمانشاه آشنا گردید. بضاعت مالی پدر برای تحصیل او کفالت نمی کرد. بنابراین لاهوتی با کمک مالی یکی از آشنایان پدر به تهران رفت. و در همان ایام کمتر از هجده سال داشت که نخستین غزل با لحنی شرسار از شور و آزادی خواهی در روزنامهٔ «حبل المتین» کلکته انتشار کرد. و نام او را بر سر زبانها انداخت لاهوتی در انقلاب مشروطیت در صف فدائیان آزادی قرار گرفت. پس از مدتی وارد ژاندار مری شد که در آن زمان زیر نظر سوئدیها اداره می شد. رئیس ژاندار مری ختم بود که بر اثر یک سوء تفاهم میانش با سوئدیها به هم خورد و به جرم اقدام به خراب کاری محکوم به اعدام شد، ولی او به خاک عثمانی گریخت. و چندی در آن جا بادشواری و پریشانی روزگار گذاشت. (۲)

لاهورتی در دو سال اول جنگ جهانی اول روزنامهٔ «بستون» را در کرمانشاه انتشار داد. بعد از شکست قوان اروپا مرکز دوباره به ترکیه

رفت. و در استانبول مجله ادبی پانزده روزه ای به نام "پارس" دایر کرد.
 (۳)، در آغاز ۱۳۴۰ هـ موافق ۱۹۲۲ میلادی به شفاعت مخبر السلطنه
 فرمانروای تبریز، به ایران بازگشت و با همان درجه سابق وارد
 ژاندارمری آذربایجان شد. لاهوتی در رأس ژاندارمری تبریز رشادتها از
 خود نشان داد و با کمک انقلابیون و پایان عمر در تاجکیستان در سمهای
 آموزگاری دبستان، عضویت در حزب کمیونسنت، ریاست آکادمی علوم
 تاجکستان و وزارت معارف به سرد برد تا این که سرانجام ۱۳۳۴ س
 (۱۹۲۵) در مسکو وفات یافت. (۴)

سرود ملی تاجکیستان را در سال ۱۹۴۵ میلادی در سن پنجاه
 و هشت سالگی نوشت و همچون شاعر ملی خلق تاجکیستان شناخته
 شد. ابو القاسم لاهوتی با پیر کار استاد عینی پایه گداز ادبیات نوین از
 بنیاد گذاران شعر نو تاجیک بودند. پس از قرنهای استاد لاهوتی با استاد
 عینی دو دریای شعر فارسی به یک مجرای نو روان کردند و سطح شعر
 نورا با امر زمانه نو به پایه بلند تری برداشتند. (۵)
 آثار ابو القاسم لاهوتی ازینطور هستند.

۱- لالی لاهوتی استانبول

۲- چکامه استانبول ۱۳۲۷ ق

۳- ایران نامه استانبول ۱۳۲۸

۴- کرمل مسکو ۱۹۲۴ م

۵- ادبیات سرخ تهران ۱۳۲۰

۶- درفشان مسکو ۱۹۳۵ م

۷- سرودهای آزادی صبح مسکو ۱۹۵۴

۸- منتخی از اشعار لاهوتی تهران ۱۳۳۳

مطالعه عمومی اشعار ابو القاسم لاهوتی

شعرهای که لاهوتی در استانبول و ایران سروده با اندیشه های میهن پرستانه پر است، اما از سال ۱۳۰۰ و پس از آن مرحله نوینی در هنر شعری او آغاز می شود. ازین منگام، اشعار وی، که سابقاً هم چاشنی از افکار انقلابی داشت، در بست تحت نفوذ تعلیم مارکسیستی قرار گیرد. وقریحه و استعداد شاعر به تبلیغ مرام اشتراکی و انتقاد از اصولی سرمایه داری مصروف می گرد.

موضوعاتی که لاهوتی در اشعار خومورد بحث قرار داده ازین

طور هست.

انقلاب: هم شاعران معاصر فارسی در دوران مشروطیت خواهی

موضوع انقلاب در اشعار خود آورده است، شاعران بوسیله اشعار

انقلابی مردم عامه را بر خلاف حکومت استبدادی بیدار می کرد. لاهوتی

که در همان زمان زندگی می کرد. اشعار وی از افکار انقلابی مملو است.

بطور نمونه اشعار وی ملاحظه بکنید:

بعد يك عمر در این خانه کسی پیدا شد
 بهر تنهایی من هم نفسی پیدا شد
 سالها بود که دزدیده فغان میکردم
 باز از بهر هیا هو هوسی پیدا شد
 سینه ام تنگ بد انسان که ره آه نداشت
 همدمی آمد و در من نفسی پیدا شد
 تا که از لانه پریدم بگلستان جهان
 هر قدم در ره من خار و خسی پیدا شد
 روشنی هیچ ندیدم مگر آن دم که دلم
 آن قدر سوخت که در آن قبسی پیدا شد
 بیش از این ناله و فریاد مکن، لاهوتی
 که بفریاد تو فریاد رسی پیدا شد (۶)

اشعار فوق ذکر لاهوتی در سال ۱۹۲۱ میلادی دوران تبعید

استانبول نوشته است، درین اشعار امید پیروزی انقلابی هست.

اشعار که لاهوتی ژانویه سال ۱۹۲۲ میلادی نوشته این اشعار

مربوط به انقلاب هست نمونه اشعاروی ازینطور هست.

چه خوش آنکه بیرق خون بپا قطع ریشه اغنیا
 شود وزند به جهان ندا که: گروه کارگر الصلا
 هم شهر غرقه خون شود، همه کاخ ظلم نگون شود

هم مفتخواره زیون شود، همه کارگر رهدازمل ا
 نبداز که بازوی کارگر، بندار که زحمت زنجیر
 نبداین جهان، نبداین بشر، نبداین تمول اغنیا
 تو بناکنده عالمی، تو تمام معنی آرام
 تو معززی، تو مکرمی، همه چیز بی تو بوده فنا
 هله خیز و ساز نبرد کن، تو هر آنچه خدای نکرد کن
 بکش وز جامعه طرد کن همه مفتخوار درنده را
 بد و دست آبله دار تو که بجز دو بازوی کارتو
 نبود معادن و پیر تو نه خدا نه شیخ و نه پادشاه
 چه کنی درنگ، شتاب کن، نجات خود انقلاب کن
 تو اساس ظلم خران کن، تو بساط عدل پانما
 من و آن زمان که کشان، کشان بیتم هاستمکشان
 شد و شیخ را بدهم نشان، که مقصرین شما، هلا! (۷)

سراسر اشعار غزل مذکور مربوط به انقلاب هستند، لاهوتی با
 لهجه شدید ایرانیان برای آوردن انقلاب دعوت می دهد. یکی از
 خصوصیات اشعار مزبور این است که درین لاهوتی به کارگران
 و زنجیران خطاب کرده است و بر خلاف بی عدالتی و ظلم و استبداد آنان
 را برانگیخته است.

وقتی که لاهوتی دربارهٔ انقلاب گفتگو می کند در ذهن وی انقلاب

سرخ می شود. در عقیده وی هم جور ستم جهان بوسیله انقلاب سرخ
ختم خواهد شد اشعار وی ازینطور هستند.

نوشم بشادمانی آندم شراب سرخ
کز شرق انقلاب دمد آفتاب سرخ
قربان آندمی که زخمون تو انگران
دریای انقلاب شود پر صباب سرخ
نازم به آن زمان که بنیروی پتك داس
ملت نهد بگردن ظلم طناب سرخ
ای خواجه، خون رنجبر امروز کم زیر
فرد احساب از تو کشد انقلاب سرخ
ملت فروش از آنتیه خود سوال داد
تیغی به او نمورم کاپنک جواب سرخ
خانرا شراب سرخ بجا وزفرط جوع
ریزد زدیده دفتر دهقان آب سرخ
در خون خائنان وطن واجبست غسل
در شرع کتاب انقلاب بنص کتاب سرخ (۸)

اوضاع سیاسی واجتماعی

هنگام محاصره شهر تبریز ۱۹۰۹ میلادی از طرف سپاهیان شاه

مستبد شکست آنان لاهوتی شعر سروده است درین اوضاع سیاسی
 و اجتماعی ایران بیان کرده است. نمونه ای از آن اینطور هست.

اردوی ستم خسته و عاجز شد و برگشت
 برگشت، نه بامیل خود، از حمله احرار
 ره باشد و گندم و آذوقه به خسر وار
 هی وارد تبریز شد از هر در و هر دشت
 از خوردن اسب و علف و برگ درخشان
 فارغ چو شد آن ملت با عزم و اراده
 آزاده زنی بر سر یک قبر ستاده
 بادیده ای از اشک پرودامنی از نان
 لختی سرپا دو ختر بر قبر همی چشم
 بی جنبش و بی حرف، چو یک هیکل پولاد
 بنهاد پس از دامن خود آن زن آزاد
 نان را بسر قبر، چو شهری شده در خشم
 در سنگر خود شد چو بخوبی جسم تو غلطان
 تا ظن بنری آنکه وفادار بنو دم
 فرزندی، بجان تو، بس سعی نمودم

روح تو گداه است که بوئی بند از نان

مجروح و گرسنه ز جهان دیده بیستی

من عهد نمودم که اگر نان بکف آرم

اول به سر قبر عز پر تو بیارم

بر خیز که نان بخشمت و جان بیارم

تشویش مکن فتح بمودم، پسر جان

اینک بتوهم مژده آزادی وهم نان

و آن شیر حالالت که بخوردیم زیستان

مزد تو، که جان دادی و پیمان نه شکستی (۹)

لاهوته در اشعار مزبور احساسات مادر بیان کرده است یه او يك طرف از آزادی خوشحال هست وی به طرف دیگرن مایوس می شود که پسر گرسنه او در میان موجود نیست با این احساسات برگور پسر می رود. خصوصیت اشعار لاهوتی این است که در سراسر اشعار لاهوتی هم واقعات با نیکوی تصویر کرده است ازین اشعار معلوم می شود که شعور اجتماعی شاعر خیلی مستحکم است و برفن شعرهم مهارت دارد.

کمیونیسیم

شاعران دروه انقلاب مشروطیت پس از انقلاب روسیه از افکار

کمیونستی تاثیر گرفتند. لاهوتی که تحت نفوذ تعلیم مارکستی بود او درباره حقوق بینوایان و ستمدیدگان از جمله رنجبران، کارگران، کشاورزان و زنان در اشعار بیان کرده است. در عقیده لاهوتی کمیونیسم برای بهبود بشریت بهترین راه زندگی است، زیرا که کمیونیسم حق مساوات تهیدست و برای حقوق زنان و ستمدیدگان صدا بلند می کند. به همین سبب لاهوتی در اشعار کمیونیسم را مدح کرده است. نمونه اشعار وی ازینطور هست:

در دست او همیشه کتاب و قلم بود.
پیوسته در مبارزه با بیش و کم بود
او عضو حزب نیست، ولی هست کمیونست
داند که کمیونیسم بدون حساب نیست
در کار او حساب و به گفتار او حساب
پرگاروار اگر که بدور زمین درد
ازش نقطه حساب تجاوز می کند
همسایه و رفیق وزن و خویش آشنا
حق و حساب دانی او را دهد بها
گویند: عام دهر و را با حساب زاد
یک چیز بی حساب طبیعت به وی نداد.
ناگه صدای عرش شیبورهای سرخ

بردش به جنگ ظلم بزیرلوای سرخ
 در آن تلاش سخت به آزادی بشر
 میدان امتحان خداکاری و هنر
 پیش صف او همیشه بمردی نمونه بود
 بخت عدو زحمله او واژ گونه بود
 با دوست مهربا بد و با دشمنان شدید
 هر دم مهارت نوای از او شدی پدید
 معلوم شد که بر وطن و خلق و انقلاب
 عشق دل محاسب ما بوده بیحساب (۱۰)

جنبه های انقلابی و مارکسستی در اشعار لاهوتی زیاده دیده می
 شود لاهوتی بر خلاف ظلم و بی عدالتی و در حمایت رنجبران صدا بلند
 می کند نمونه از اشعار لاهوتی که در فوریه سال ۱۹۲۴ میلادی سرود
 ازینطور هست:

شیخ گوید عدل باید باشد و بیداد هم
 در جهان انصاف هم فرضست و استبداد هم
 لیک من گویم، بدون فعله ویران می شود
 لندن و پارس و برلن، بصره و بغداد هم
 مرده باد این عالم ظالم و خیانت کاندراوست

بینواهم، اغنیاهم، بنده هم، آزادهم
 زنده بادا پتك وداس تو وۀ رحمت که آن
 سازد آن نوعالمی بی صنف و بی اضدادهم
 عاشق زحمت توئی، لاهوتی اینسان عشق را
 کس ندیداز وامق و مجنون و از فرهاد هم (۱۱)

سوسیالزم

تنی چند از شاعران عصر بیداری هستند که به سبب رفت و آمد به اتحاد شوروی از نظریه سوسیالیسم تاثیر گرفتند. و با حشر و نشر بادموکراتها و روشنفکران سوسیالیست، بر روی هم تمایلات افراطی پیدا کردند و این تمایلات در شکل شعر شان تجلی می یافت. لاهوتی هم افکار سوسیالیستی داشت نمونه اشعار وی ازینطور هستند.

ای جمعیت سوسیالیستی
 باغیان با فرد مارکسی
 توینن را حلف ناموری
 حزب او را پس از اورا هبری
 تو که باهوشترین انسانی
 که کنون آفت این خانه بود
 پیشتر گرچه پی منصب و جاه
 دست او بد زخیانت کوتاه

لیکن این درره که از توده، زیست
 کارکنهای نو آیند بدست
 جنگ صنفی همه جاتیز شده است
 تیغ این معرکه خونریزه است
 دیگر این طایفه میز پرست
 نتوانند دل آسوده نشست (۱۲)

دریاء نظریه سوسیالزم لاهوتی در اشعار ذیل ازینطور بیان کرده

است که نمونه اشعاروی ازینطور هستند.

توده رنجبراکنون رسته است
 دین از شیرتاما شسته است
 خود شده لایق هر راهبری
 رهبری بامستور رنجبری
 لیکن آن کهنه دلان، کهنه سران
 ره ببندند به این رنجبران
 تو که مدرسه سوسیالیسم
 هستی استاد علوم نیننسم
 خواهی از شاخ درخت زحمت
 در امان ماند از اینسان آفت
 به نمایندگی کارگران

چون امین هم رنجبران
این خان را هم از بیخ بزن
این ستون های مضر را برکن (۱۳)

فاشیسم

لاهوتهی بر خلاف فاشیسم اشعار فراوان نوشته است. وقتی که نیروهای هتلر بر اتحاد شوروی حمله کردند پس از آن لاهوتهی بر خلاف فاشیسم و درستایش دفع کنندگان لیننگراد شعر سرود نمونه آن ازینطور هست.

ای فرخ آشیان همارا لیننگراد
خواهند بر فراز تو زاغان گذر کند
فرزندهای با شریعت کی دهند راه
دزدان یه خاندان لینینی ظفر کند
ارزش فتن به پشت عدو چون بیاریت
جمبول پیر و قوم دلیرش حشر کند
مانند یک ش این همه مردم براه تو
جانرا بکف نهاد بمیدان هنر کند
نام و نشان هیتلر از آنها اودبیاد
خوش بخت و پایدار بماند لیننگراد (۱۴)

لاهوتهی برای بشریت خطر برزگ می گرداند به همین سبب او بر

خلاف نیروهای فایستی ارتش سرخ را تشویق نمود نمونه آن اینطور

هست.

همت کنید، ای دوستان

دشمن پپ میدان آمده

باحرص خرس گرسنه

بامکر شیطان آمده

آمد به قصد جان ما

برضد فرزندان ما

این سگ برای نان ما

نزدیک انبسان آمده

هاراست، هاراین لی شرف

شمشیرهم دارد به کف

یک صف شویم از هر طرف

جلاد انسان آمده

یک صف شده او رازینم

شمشیر او را بشکنیم

پامال و نابودش کنیم

کودشمن جان آمده

اردوی سرخ نامور

در زیر حکم رهبر
 برکشتن این جانور
 چون بحر جوشان آمده
 هر صاحب ناموس و نام
 راحت بخود سازد حرام
 تاروز هیتلر را تمام
 بیند به پایان آمده (۱۵)

لا هوتی دربارهٔ ظلم را استبداد فاشیسم و قتل عام بشریت در

سراسر جهان بدست نیروهای فاشیستی ازین طور تصویر کرده است

ارتش المان جز قتل و ویران ندارد
 در تمام هستیش آثار انسان ندارد
 خون خورد، غارت برد، آتش زند، ناموس زیزد
 رحم بر ایرانی و شفقت به تورانی ندارد
 صد هزاران جنس خود را زنده چون سوزاند آدم
 این شقاوت هیچ از جنس حیوانی ندارد (۱۶)

اشعاری که لاهوتی در دوران جنگ جهانی دوم سروده است

پیشتر اشعار وی بر خلاف فاشیسم است.

آزادی

یکی از مهمترین موضوعات دوران مشروطیت است. لاهوتی درباره آزادی شعر سروده است. لاهوتی هر نوع آزادی مثلاً سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می خواهد نمونه ای اشعار ازینقرار است.

زندگی آخر سر آید، بندگی درکار نیست
 بندگی گر شرط باشد، زندگی درکار نیست
 گرفتار دشمنان آبت کند مسکین شو
 مردباش ای خسته دل، شرمندگی درکار نیست
 باحقارت گریبار دبرسرت باران در
 آسمانرا گو: پرو باندگی درکار نیست
 گر که باو ابستگی دارای این دنیا شوی
 دورش افکن! پنچنین دارندگی درکار نیست
 گربه شرط پای بوسی سربماند در تنت
 جان ده وردکن، که سرافلنده گی درکار نیست
 زندگی آزادی انسان و استقلال اوست
 بهر آزادی جدل کن! بندگی درکار نیست (۱۷)

کشاورزان

شاعران معاصر فارسی درباره مردم عامه و ستمدیدگان کشاورزان کارگران و رنجبران شعر سروده اند. کشاورزان که دچار فقر

وفلاکت بودند اوضاع آنان بتدریج بدبه بدتر می گرائید لاهوتی دربارهٔ اوضاع کشاورزان شعر سروده است. مثلا اشعار وی ازینقرار اند.

ستالین جان تو ما را رهنمائی
برادر هم پدر هم پیشوائی
به سرهوش و به دردمادوائی
خلاصه، جان مائی، بخت مائی

ستالین گویم و رانم زمین را
زمین تابع شود چون بینداینرا
بکارم دانه و گل روید و من
به هر گل بنگرم روی لنین را
به هر سختی که در ره پیش آید
که با آن جنگ کردن هیچ نتوان
به وی نام ستالین را بگوید
شود آن نکته، حل آن سخت آسان (۱۸)

میهن پرستی

میهن پرستی که از موضوعات عام و مورد توجه همه شاعران آن

روزگار بود. لاهوتی دربارهٔ میهن پرستی شعر سروده است. نمونه آن
ازینطور هست.

وطن ویرانه از یاروست یا اغیار هردو؟
مصیبت از مسلمانهاست یا کفار یا هردو؟
همه داد وطنخواهی زندامانمی دانم
وطن خواهی به گفتار است یا کردار یا هردو؟
وطن را از خطر فکر و کیلان میکند این
وپا سرنیزهٔ یک لشکر جرار یا هردو؟
وطن را فتنهٔ مسند نشینان داد بردشمن
وپا این مردم بی داشتن بازار یا هردو؟
کمتد بندگی برگردان بیچارگان محکم
زببند سبحه شد یا رشتهٔ زنار یا هردو؟
به قتل و غارت دهقان و استعمار زحمتکش
فقط مسج [بودبانی ویا دربار یا هردو؟
نبای ظلم و استبداد صنف مفتخور ویران
زچکش می شود یاداس جوهر دار یا هردو؟
وکیل از خدمت علت تغافل میکند عمداً
شد وزیر از مملکت بیزار یا هردو؟
جلس نسبت ایران فروشی میدهند اما

نمیدانم کنم اقرار یا انکار یا هر دو؟
 وکیلان و وزیرانند خاین فاش میگویم
 اگر در زیر تیغم یا به روی دار یا هر دو؟
 ترا روزی به گشتن میدهد ناچار لاهوتی
 زبان راست گویا طبع آتش با یا هر دو؟ (۱۹)

اشعار مزبور مربوطه به میهن پرستی است و هم وضعیت اسفناک
 سیاسی و اجتماعی ایران نشان داده است.

اشعاری که لاهوتی در سال ۱۹۱۵ میلادی نوشت درین اشعار
 شاعر محبت با وطن ظاهر کرده است او درباره به بازگشتن به خود وطن
 اشتیاق دارد. بطور نمونه اشعار وی ملاحظه بکند.

در غم آشیانسه پیر شدم
 باقی از هستم همان نامی است
 مردم از غصه این چه ایاهی است
 من که از این حیات سیر شدم
 گفتم ار چند نیست بال و پر
 نتوانم سوی چمن بپر
 دیدم این نیست آشیان دامی است
 آه!.. من باز هم اسیر شدم (۲۰)

نظام سرمایه داری

لاهوتی نظام سرمایه داری را مورد انتقاد نمود، وقتی که لاهوتی از حیث نماینده شوروی در شامل شدن کنگره بین المللی در دفاع فرهنگ (International Congress in Difence of Culture) به پارس رفت درین مسافرت لاهوتی نظام سرمایه داری را مورد انتقاد نموده نمونه اشعار وی این طور هست

در اقلیم سود گران زر خداست
 به زهر کسی بنده بینواست
 در آنجا که صد قصر آباد هست
 میبندار یک روح آزاد هست
 امیر وزیر و دبیر و فقیر
 بقانون سرمایه هستند اسیر
 یکی هم از آن مردمان زیاد
 ندارد بفردای خود اعتماد
 نه خدمت، نه دانش، نه دکان، نه کار
 ندارد هر هیچ کس اعتبار
 شب اینست اندیشه شیخ و شاب
 که فردا چوبر پای خیزد خواب
 در این کشور آیا کند زندگی

ویا آنکه بدرود پایندگی
 کسانی که کز اینگونه ننگین حیات
 نبینند کوران‌ه راه نجات
 حریضد یکسر بتحصیل زر
 تباهی کند و سیاهی کند
 پی کسب زر هر چه خواهی کنند (۲۱)

زنان

دوران مشروطیت همه شاعران و نویسندگان ایران دربارهٔ تربیت و آزادی زنان و تساوی حقوق زنان در خانواده و جامعه، مورد بحث قرار داده اند، لاهوتی در اشعار خود مسایل زنان بیان نموده است، و همه خرافات و تعصبات که بردوش زنان سنگینی می کرد جهاد نموده اند. لاهوتی در نظم مفصلی که در سال ۱۹۱۸ میلادی در استانبول نوشته است. درین دختران ایران را به دانش و آزادی و انجام دادن وظایف اجتماعی دعوت کرده است نمومه اشعار وی ازینطور اند.

من از امروز زحسن تو بردیدم سروکار
 گویه دیوانگی ام خلق نماینده‌ها رار
 ای مه ملك عجم، ای صنم عالم شرق
 هوش گرد آور و برگفته من دل بگمار

من بزيبائى بى علم خريدار نيم
 حسن مفروش دگر بامن و کردار بيار
 عاشقان خط و خال توند آموز انند
 ديگر اين طايفه را راه مده بر در بار
 اندر اين دور تمدن صنما لايق نيست
 دلبرى چون توز آرايش دانش بکنار
 ننگ باشد که تو در پرده و خلقى آزاد
 شرم باشد که تو در خواب و جهانى بيدار
 حيف نبود قمرى مثل تو محروم از نور
 عيب نه شود شجرى چون توتهى دست از بار
 ترك چادرکن و مکتب برو و درس يخوان
 شافه جهل ندرد شمسرى جز ادياز
 دانش آموز وار احوال جهان آگاشو
 واين نقاب سيه از روى مبارك بردار
 علم اگر نيست، ز حيوان چه بود فرق بشر
 بوى اگر نيست، تفاوت چه کند گلزار خار
 خرد آموز و پى تربيت ملت خویش
 جدو جهدى بنما، چون دگران، مادر وار
 تو گذارى بدهان همه کس اول حرف

همه کس از تو سخن می شنود اول بار
 پا از اول تو بگوش همه این نکته بگو
 که نترسدز کوششش، نگریز ندازکار
 پسرو دختر خود را شرف کار آموز
 تابدانند، بود مفتخوری ذلت و عار
 سخن از دانش و آزادی زحمت میگوی
 تا که فرزند تو با این سخنان آید بار
 به یقین گر تو چنین مادر خوبی باش
 من اقبال وطن از تو شود زر عیار (۲۲)

لاهوری در اشعار مزبور درباره دانش و آموزش دختران تاکید کرده است. علاوه بر این برای ترک کردن حجاب هم گفته است. زیرا که همه نویسندگان و شاعران معاصر فارسی از ادبیات کشور غیر خصوصاً اروپا تاثیر گرفتند. به همین سبب در نظریه آنان حجاب برای دانش و آموزش مانع هست. ازین رو لاهوری در سراسر اشعار مزبور درباره دانش آموزش دختران بدون حجاب تاکید کرده است.

طبقه زحمتکشان : نهضت مشروطیت از مسایل روز تمایل بهبود و شرایط اجتماعی سر چشمه گرفته بود. بنابراین شعر فارسی درین دور حاکی از دلسوزی و همبستگی نسبت به ستمدیدگان بالخصوص

کشاورزان رنجبران و زنان می باشد. همه نویسندگان و شاعران این دور
 درباره دهقان، کشاورزان و رنجبران مورد بحث قرار دادند. لاهوتی که
 قسمت اعظم اشعار وی مربوط به رنجبران، دهقان و کارگران اند
 لاهوتی دربار این می گوید که:

برای فعله استثمار کردن
 یکی قانون یکی قرآن پرستد
 یکی از دسترنج کارگرها
 فروش جنس در دوکان پرستد
 یکی از دست ظلم انگلستان
 خلاص ملک هندوستان پرستد
 یکی آزادی ایرلند خواهد
 یکی آبادی افغان پرستد
 یکی باپادشاه و شیخ و خاننش
 فقط از روی حس ایران پرستد
 میان این هم مخلوق عالم
 که این يك این و آن يك آن پرستد
 اگر از کیش لاهوتی بپرسی
 نجات فعله و دهقان پرستد (۲۳)

لا هوتی دربارهٔ اوضاع زحمتکشان در اشعار آتیه بیان کرده است.

نمونه آن ازینطور هست.

بجمعی گفت دهقان ستمکش
 که بد بخت و پیریشا روزگارم
 تمام عمر خود زحمت کشیدم
 ولیکن حاصل جز عم ندارد
 نه کاوی تا از او شهری بدرشم
 به سرزی تا در آن تخمی بکارم
 کشم من رنج و مالک میبرد سود
 پی نان روز و شب اینست کارم (۲۴)

سراسر اشعار لاهوتی در حمایت رنجبران و دهقان مملو است او
 برای آزادی دهقان و رنجبران از ظالمان عهده کره است. در نظریه
 لاهوتی ظلم از جهان آن وقت ختم نه شود تا وقت که بشر یکسان به
 شود نمونه اشعار وی ملاحظه بکنید.

در اینجا قول مردی میدهم من میکنم پیمان
 که تادر باز وانم زوهست و درتن من جان
 بکوشم بهر آزادی صنف فعله و دهقان
 بجنگم بر علیه ظالمان و قرقه بایان
 نگرده تا جهان آزاد از ظلم بشر یکسان
 از این مقصود علی دست هرگز بر نمی دارم (۲۵)

لاهوټی يك قصیده مفصلی بنام کریمن در سال ۱۹۲۳ میلادی
نوشت. این قصیده مربوط به دهقان ورنجبران است و برخلاف ظلم
است. نمونه آن ازینطور هست.

هرشب تن صد مظلوم آغشته بخون میشد
تا آنکه در این ایوان صد حور شود رقصان
این طره سنبل بمن کرباد همی سرزد
بودند چو او ایجاد خلقی رستم لرزان
خون دل زحمتکش جاری شده بد چون آب
لخت جگر جگر دهقان بریان شدید برخوان
بودند بنفع شاه خدمتگر این درگاه
هم قائمه شمشیر هم فلسفه ایمان
تا شاه کند بازی بارلف بتان، میشد
برگردن صد مسکین زنجیر عدم پهچان
تا خواجه زند بوسه برگوی رنخدانها
صدها سربی تقصیر بر خاک شدی غلطان
برکشته هر مظلوم ما مویه سرا بودیم
برکشته مظلومان جز ما که شود مویان؟
ما شاهد این منظر، بیننده این محشر
سوزنده از این ماتم وز عاقبت عالم

کاین پایه مظالم را آیا نبود پایان (۲۶)

اشعار مزبور مربوط به زحمتکشان و دهقان اند درین نظم لاهوتی درباره استعمار طبقه زحمتکشان بیان کرده است. سراسر اشعار قصیده فوق ذکر درباره اوضاع زحمتکشان و دهقان نشان داده است. درین شاعر ظلم و استبداد درباره بی عدالتی ذکر نموده است.

ظلم و استبداد طبقه بورژوازی: لاهوتی درباره ظلم

و استبداد طبقه بورژوازی بر طبقه زحمتکشان و دهقان در اشعار بیان کرده است. نمونه اشعار وی ازینطور هست.

ظلمهای را که از صنف تو انگر دیدام
 بدتر از شام زجنس جانور گردیده ام
 گرنویسم شرح آن صد کتاب افزون شود
 آن خیانتها که از دستار وافر دیده ام
 از برای منفعت یافتوی شیخ وکشیش
 دستها آغشتند درخون بر در دیده ام
 در محیط بورژوازی زحمت آشاد نیست
 ای بسا سرها که غلتان از پی زردیده ام (۲۷)

زحمت طفلان: درباره زحمت طفلان در اشعار خود مورد بحث

قرار داده است اشعار وی ازینطور هستند.

دختر شش ساله را درکار گه از بهر نان

چارده ساعت بزحمت بل فزونتر دیده ام
 کارگرها را درون کان و اندر چاه نفت
 خواجه را یا یار سیمین بر به بستر دیده ام
 هر کجا آخند دیدی زود از آنجا دور شد
 من که از این جنسی در دنیا فقط شر دیده ام
 مدعی ر بگو گو بر و نکری بحال خود بکن
 من از اینسان روزهای بد مکرر دیده ام
 فکر ایران باش لاهوتی که من در آن دیار
 گرگ را چوپان ورهزن را کلانتر دیده ام (۲۸)

در اشعار مزبور شاعر یکطرف اوضاع دختر ایران بیان کرده است
 و به طرف دیگر علماء را مورد انتقاد نموده .

رنج دهقان : لاهوتی در اشعار رنج دهقان مورد بحث قرار داده است
 نمونه آن ازینطور هست .

سینۀ دهقان ز غصه آه ندارد
 کیننه دار از لیـره راه ندارد
 نعمت اشراف در حساب نیاید
 زحمت مزدور سال و ماه ندارد
 باغ جهان بی وجود فعله و دهقان
 میوه که سهل است یک گیاه ندارد

پر بود انبار ملکدار ز غله
 زارع بی چاره پرکار ندارد
 فعله که دادست تخت و تاج بشاهان
 کفش پیا و بسر کلمه ندارد
 بیشرفی بین که سیرنان دهاتی است
 خواجه و حق نمی نگاه ندارد
 غیر دو دوست و دو بازوان توانا
 هیچ کجا فعله دار خواه ندارد (۲۹)

لاهوتی در همه انواع شعر مثلاً غزل، رباعی، قطعه، داستان
 تصنیف به شیوه قدیم طبع آزمائی نموده است. نمونه آن ازینطور
 هست.

تا چند کنی گریه بر مسند نوشروان
 در قصر کرمل، ایدل اسرار نهران برخوان
 این قصر که می بینی بر روی تو می خندد
 به کشته مظلومان بسیار شده گریان
 در داخل هر دیوار بادیده سرینگر
 پیکر بسر پیکر، ستخوان به سر ستخوان (۳۰)

نظم مزبور در سال ۱۹۲۳ میلادی بنام "کرمل" نوشت. این نظم

در تتبع قصیده خاقانی نوشتند شده است. قصیده خاقانی درباره وایوان مداین است. آن ازینطور هست.

های ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان

ایوان مداین را آئینه عبرت دان

لا هوتی در شیوه قدیم موضوعات جدید آورده است. اشعار که مربوط به شیوه قدیم و جدید است آن "وفا بعهد" است این نظم لاهوتی در سال ۱۹۰۹ میلادی در دوران محاصره تبریز نوشته بود. آن ازینطور هست.

اودوی ستم خسته و عاجز شد و برگشت

برگشت نه بامیل خود از حمله احرار

مجروح و گرسنه ز جهان دیده بیستی

من عهد نمودم که اگر نان بکف آرم

اول یه سر قبر عزیز تو بیارم

برخیز که نان بخش و جان بسیارم (۳۱)

در سراسر اشعار مزبور شاعر با نیکوتی واقعه نگاری کرده است. لاهوتی در اشعار مشاهدات و تجربات خود بانیکوی تصویر کرده است. مثلا در "وحدت تشکیلات" یک زندانی ازینطور تصویر کرده است. نمونه آن عبارتند.

سر و ریشی نتر شیده و رخساری زرد

زرد و بایک چونی

سفره ای کرده ممایل، پتوی بر سر دوش

ژنددای برتن وی

کهنه پیچیده بپا، چونکه ندارد پاپوش

در سره جاده ری

دستها بسته زپس، پای پیاده بیمار

که رود اینهمه راه (۳۲)

اشعار مزبور عاری از تشبیه و استعاره و ضایع لفظی اند. این

اشعار مانند نثر ساده است

لا هوتی در منظر کشی مهارت داشت. مثلاً اشعار وی ”زنده است

پنین“ با منظر کشی آغاز می شود. درین پا از وفات پنین اضطرابی

و پریشانی مردمان تصویر کرده است.

زبان لاهوتی خیلی ساده است. عاری است ضایع و بدایع است.

لا هوتی در نوع قدیم مثلاً مثنوی و غزل توجه زیادی داده است.

لا هوتی در اشعار واژه های کشور غیر آورده است. آن ازینطور هست.

شرح احوال و آثار فیض احمد فیض

فیض احمد فیض یکی از معروفترین شاعر اردو زبان بود که در سال ۱۹۱۱ میلادی در شهر سیالکوت هند متولد شد. (۳۳) نام پدرش سلطان محمد بود که وکیل دادگستری بود. خانواده فیض در جامعه محترم بود. فیض تحصیلات مقدماتی را در مدرسه مولوی ابراهیم پرداخت. پس از آن در سال ۱۹۲۱ میلادی فیض در کلاس متوسط دبستان اسکاچ میثن ثبت نام کرد، و در سال ۱۹۲۷ میلادی در امتحان دبیرستان از همین اسکول موفق شد. همان سال در دانشکده مری ثبت نام کرد. آن جا نخستین استادوی سلیم چشتی بود. از همین دانشکده زندگی ادبی فیض آغاز گردید. اپریل سال ۱۹۲۹ میلادی از همین دانشکده در امتحان ایف اے موفق شد. و علاوه بر این از استاد علامه اقبال، مولوی میر حسن زبان فارسی و عربی آموخت.

در ماه مه سال ۱۹۲۹ میلادی در دانشکده دولتی لاهور در لیسانس ثبت نام کرد. در مجله دانشکده لاهور "راوی" نخستین شعر او بعنوان "میری معصوم قاتل" (قاتلِ معصوم من) در سامبر سال ۱۹۲۹ میلادی انتشار یافت. (۳۴) فیض از همین دانشکده فوق لیسانس به زبان انگلیسی پرداخت. بعداً در سال ۱۹۳۴ میلادی فوق لیسانس به زبان عربی از دانشکده اورینتل پرداخت پس از تحصیلات فیض در سال

۱۹۳۵ میلادی در دانشکده مسلم اینگلو اورینتل استاد یار شد. فیض تقریباً شش سال درس تدریس کرد. در همین دوران افکار کارل مارکس و انجلیز را مورد مطالعه قرار داد. در ماه آوریل ۱۹۳۶ میلادی نهضت ادبی ترقی خواهان ادب تاسیس شده بود و کنفراس در کلب رفاه عام، لکهنؤ برگزار شده بود. رئیس کنفراس منشی پریم چند بود و در همین کنفراس فیض همراه سجاد ظهیر شرکت نمود.

در جولائی سال ۱۹۳۶ میلادی در دانشکده دولتی لاهور یک مشاعره برگزار شد و درین مشاعره یک نظم بعنوان ”مجه سے پہلی سی محبت میرے محبوب نہ مانگ“ سرود درین مشاعره علامه اقبال هم حضور داشت. او از فیض مدح کرد. در سال ۱۹۳۹ میلادی نخستین مجموعه فیض بنام ”نقش فریادی“ انتشار یافت. (۳۵) او در سال ۱۹۴۰ میلادی در دانشکده کامرس سخنران زبان انگلیسی شد و بروز ۲۸ اکتبر ۱۹۴۱ میلادی با خانم ایلیس کیتترین از دواج کرد. فیض در سال ۱۹۴۲ میلادی سالار ارتش انگلیسی شد. (۳۶)

او در سال ۱۹۴۲ میلادی به عهد میجر رسید و در سال ۱۹۴۴ میلادی سرهنگ دوم شد. فیض در سال ۱۹۴۶ میلادی اعزاز ایم. بی. ای. (M.B.E.) بدست آورد. پس از آن در سال ۱۹۴۶ میلادی مستعفی شد.

از دوم فوریه ۱۹۴۷ میلادی فیض بطور کلی در میدان روزنامه

نویسی قدم نهاد. او مدیر "تائمز پاکستان" انگلیسی "امروز" اردو شد. ۱۵ اگست ۱۹۴۷ میلادی هند استقلال یافت و پاکستان بوجود آمد. فیض دربارهٔ اوضاع خشونت آمیز وبد بین آن زمان را در شعر خود "صبح آزادی" بیان کرد. فیض در سال ۱۹۴۸ میلادی در نتیجهٔ انتشار يك خبر برای يك روز اسیر شد. فیض تا سال ۱۹۴۹ میلادی در مصنفین انجمن ترقی خواه شرکت نمود علاوه براین در کنفرانس کار فر بین المللی سان فرانسسکو، و جنیوا شرکت نمود. بروز ۹ مارس سال ۱۹۵۱ در توطئهٔ راولپندی، چهار سال در زندان بود.

فیض احمد فیض دوران قید بنام ایلینس چند تا نامه ها نوشت که بعداً بنام "چلیس مرے دریچے میں" انتشار یافت فیض در همان زمان مجموعه دوم شعر خود بنام "دست حبا" انتشار کرد. و در سال ۱۹۵۶ سومین مجموعه شعر بنام "زندانی نامه" به چاپ رسانید. فیض احمد فیض به سبب اشعار انقلابی همیشه زندان می شد، وقتی که فیض احمد فیض از اتحاد شوروی در سال ۱۹۵۸ میلادی بازگشت او در منطقه کراچی دوباره گرفتار شد و تحت قانون تحفظ، شش ماه در زندان بود. پس از آن در پاکستان ارتش قانون تحمیل شد. فیض احمد فیض اولین شاعر بود که در سال ۱۹۶۲ میلادی جایزه صلح لینین بدست آورد.

فیض احمد فیض از سال ۱۹۶۲ میلادی مسافرت کشورهای خارجی کرد. به مدت کوتاه در لندن اقامت داشت. و بعداً هنگری، کیوبا،

لبنان، مصر، لنکا، و الجریا مسافرت کرد.

در سال ۱۹۸۴ میلادی سیمینار فیض در دانشگاه لندن برگزار شد
فیض درین همایش شرکت نمود بروز ۲۷ نوامبر سال ۱۹۸۴ به سبب
سقوط قلب وفات یافت. (۳۷)

انقلاب شوروی در سال ۱۹۱۷ میلادی در سراسر جهان خیلی
تاثیر گذاشت. نهضت استقلال هند بطور خاص ازین انقلاب تاثیر گرفت
در سال ۱۹۳۶ میلادی نهضت ترقی خواه ادب که یک نوع انعکاس شعور
اجتماع بوده، آغاز شد. در واقع این نهضت یک انگیز برای فکر درباره
مسائل اجتماع فرار گرفت. فیض احمد فیض که عضو نهضت ترقی خواه
بود، بعنوان شاعر نماینده نهضت ترقی خواه شهرت یافت. در زمان
فیض در سراسر جهان تحولات گوناگون رخ داد. هر دو جنگ جهانی در
همین زمان بوقوع پیوست. در نتیجه تعداد زیادی از افراد جانهاشان را
از دست دادند. و وضع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جهان دگرگون
شد. اوضاع اقتصادی هندهم بدتر شد. مردم دچار گرسنگی و فقر شدند.
تفاوت طبقاتی زیاد شد. طبقه کارمندان و کشاورزان شدت احساس عقب
ماندگی و ناداری کردند و عناصر استعماری کشور هر گونه مظالم به این
طبقه روا داشتند.

در سال ۱۹۱۴ میلادی پس از جنگ جهانی اول بحران سیاسی در
هند شروع شد. مردم در توسط نهضت‌های مختلف سیاسی علیه ظلم

واستبداد امپیریالیست صدا بلند کردند. فیض احمد فیض این اوضاع وقت را با شدت احساس کرد. لذا، دربارهٔ اوضاع آن وقت در مقدمه "دست تپه سنگ" می نویسد که:

"یکایک یون محسوس یونے لگا کہ دل و دماغ کے سبھی راستے بند ہو گئے ہیں۔ اب یہاں کوئی نہین آئے گا"۔ (۳۸)
(ترجمہ: احساس کردم کہ همه راههای دل و ذهن احساساتی شروع شد که آآن این جا هیچ کس نه خواهد آمد.)

در بین واقعات مهم قرن بیستم میلادی می توان جنگ جهانی اول، بحران سیاسی و اقتصادی هند در سال ۱۹۳۹ میلادی، جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۷ میلادی استقلال و تقسیم هند را ذکر نمود. در همین دوران در اروپا فاشیزم بوجود آمد. فیض احمد فیض هم از این گونه واقعات تاثیر گرفت. و شعر او شاهد این است. شعر سرایی فیض به شش دهه تقسیم می شود. نخستین مجموعه اشعار فیض "نقش فریادی" است که در زمان جنگ جهانی دوم انتشار یافت. قسمت ابتدائی این مجموعه مربوط به روشن رومانتیسیزم است.

در این زمان علاوه بر واقعات ذکر شده خود داخل کشور هند نیز تحولات زیاد رخ داد و نهضت‌های مختلف آغاز شد. نهضت آزادی بگت سنگ (Bhagat Singh) نهضت، کمیونسنت نهضت کارمندان، نهضت

پیشرفت گرایان ادبی۔ ادبیات کہ قبلاً فقط مربوط بہ طبقہ بالا بود، توسط نہضت ترقی خواہ ادب، وسیلہ ای برای انعکاس مسائل مردم عامہ، و کارمندان قرار گرفت۔

قسمت دوم و مجموعہ شعر دوم فیض ”نقش فریادی“ نماینگر اینگونہ واقعات بنظر می آید۔ افکار فیض تغیر یافت او در زمان نظامی ”دلے بفروختم جانے بہ خریدم“ گفت و در جہان انقلاب قدم نہادو بہ محبوب گفت کہ:

ان گنت صدیوں کے تاریک بھیمانہ طلسم
 ریشم و اطلس و کمخواب میں بنوائے ہوئے
 جابجا کوچہ بازار میں بکتے ہوئے جسم
 خاک میں لتھڑے ہوئے خون میں نہلائے ہوئے
 لوٹ جاتی ہے ادھر کو بھی نظر کیا کیجئے
 اب بھی دلکش ہے تیرا حسن مگر کیا کیجئے (۳۹)

مطالعة عمومی اشعار فیض احمد فیض

فیض احمد فیض موضوعات و مسایل مختلف سیاسی و اجتماعی را در اشعار خود مورد بحث قرار دادہ است کہ در ذیل است:

اشعار سیاسی فیض احمد فیض پس از قیام پاکستان آمد شد اشعار وی دربارهٔ مردم بینوا، علیہ جبر استبداد است۔ فیض پس از آزادی از حیث مدیر ”تائمز“ و ”امروز“ حکومت را مورد انتقاد نموده

و در باره هدف آزادی مرام متوجه کرد.

پس از استقلال هند و بنای پاکستان فیض یک شعر بعنوان ”صبح آزادی“ سرود این شعر مردم پاکستان را لرزاند، پس از آزادی نظام قانون جمهوریہ در هند اجرای شد. سستم زمینداری ختم شد، و اصلاحات اجتماعی ہم معرفی گشت. ولی در پاکستان طرف اپنگون روشنهای اصلاح توجه شد و آنجا نظام جمهوری فقط برای نام بود. انتظاری که مردم از آزادی داشتند، به تکمیل نرسید. به همین سبب فیض آن صبح را داغدار گفت:

یہ داغ داغ اجالا، یہ شب کزیدہ سحر
 وہ انتظار تھا جس کا یہ وہ سحر تو نہیں
 یہ وہ سحر تو نہیں جس کی آرزو لے کر
 چلے تھے یار کہ مل جائیں گے کہیں نہ کہیں
 فلک کے دشت میں تاروں کی آخری منزل
 کہیں تو ہوگا شب سست موج کا ساحل
 کہیں تو جا کے رکے گا سفینہٴ غم دل
 جگر کی آگ، نظر کی امنگ، دل کی جلن
 کسی پہ چارہٴ ہجراں کا کچھ اثر ہی نہیں
 کہاں سے آئی نگار صبا، کدھر کو گئی
 ابھی چراغ سر رہ کو کچھ صبر ہی نہیں

نجات دیدہ ودل کی گھڑی نہیں آئی
چلے چلو کہ وہ منزل ابھی نہیں آئی (۴۰)

بہ سبب این نظم در پاکستان فتنہ برپا شد۔ افراد حزب های
افراطی و راستگرا علیہ فیض تبلیغ کردند کہ فیض بنای پاکستان را
قبول نہ کردہ۔ نویسندہ و شاعران ترقی خواه ادب گفتند کہ ہر کس
میتوانست اینگونه نظرات را اظہار نمود۔

فیض احمد فیض در سال ۱۹۵۷ میلادی پس از بازگشتن از اتحاد
شوروی اسیر شد۔ تحت قانون تحفظ فیض شش ماہ در زندان بود۔ ولی
در استقامت لہجہ فیض ہیچ کمی واقع نہ شد۔ فیض گفت۔
آگئی فصل سکوں چاک گریباں والو
سل گئے ہونٹ کوئی زخم سلے یا نہ سلے
دوستو بزم سجاؤ کہ بہار آئی ہے
کھل گئے زخم کوئی پھول کھلے یا نہ کھلے (۴۱)

مردم پاکستان علیہ حکومت ایوب خان شدولی در پاکستان
دربارہ حکومت ارتشی در شکل یحیی خان تسلط داشت۔ فیض احمد
فیض آن روز تاریخ مرثیہ نوشت:

آج کے دن نہ پوچھو مرے دوستو
دور کتنے ہیں خوشیان ملانے کے دن
زخم کتنے ابھی بخت بسمل میں ہیں

دشت کتنے ابھی راہ منزل میں ہیں
 کب تمہارے لہو کے دریدہ علم
 فرق خورشید محشر پہ ہون گے رقم
 آج کے دن نہ پوچھو مرے دوستو (۴۱ آ)

فیض احمد فیض دربارہٴ موضوعات گوناگون در اشعار خود ذکر
 کردہ است۔

انقلاب: موضوع انقلاب را ہمہ شاعران و نویسندگان ترقی خواه در
 زمان مبارزہ آزادی مورد توجہ قرار دادند۔ موضوع انقلاب در ہند پس از
 انقلاب باشوک آمدہ است در نتیجہٴ این روش شاعران و نویسندگان برای
 بیدار کردن مردم عامہ، زحمتکشان و کشاورزان علیہ نظام سرمایہ داران
 و امیریالیست نقش مهمی ایفاء نمود۔ فیض احمد فیض شاعر نماینگرا
 نہضت ترقی خواه بود۔ اشعار انقلابی وی مربوط بہ سیاست و اجتماع
 است او بوسیلہ اشعار مردم عامہ را برای انقلاب بیدار می کند۔ اشعار کہ
 در شعر، ذیل ملاحظہ بکنید:

اے خاک نشینوں اٹھ بیٹھو، وہ وقت قریب آپہنچا ہے
 جب تخت گرائے جائیں گے، جب تاج اچھالے جائیں گے
 اب ٹوٹ گریں گی زنجیریں اب زندانوں کی خیر نہیں
 جو دریا جھوم کے اٹھے ہیں، تنکو سے نہ ٹالے جائیں گے
 کٹتے بھی چلو، بڑھتے بھی چلو، بازو بھی بہت ہیں سر بھی بہت

چلتے بھی چلو، کہ اب ڈیرے منزل ہی پہ ڈالے جائیں گے
 اے ظلم کے ماتولب کھولو، چپ رہنے والو چپ کب تک
 کچھ حشر تو ان سے اٹھے گا، کچھ دور تو نالے جائیں گے (۴۲)
 فیض علیہ ظلم و استبداد بیدار می کند بلکه برای يك انقلاب پر
 خاشگر مردم عامه دعوت می کند:

ہم نے مانا جنگ کڑی ہے

سر پھوٹیں گے خون بہے گا

خون میں غم بھی بہ جائیں گے

ہم نہ رہیں گے غم بھی نہ رہیگا (۴۳)

اندیشہای اشتراکی: در نتیجه انقلاب اوسیه ۱۹۱۷ میلادی سستم
 سیاسی اشتراکیت بوجود آمد. نهضت اشتراکی برای ختم کردن نظام
 سرمایه داران و در حق زحمتکشان و کشاورزان مقال شد. این نهضت در
 سراسر جهان یا سرعت بخش شد، و همه نویسندگان و شاعران جهان از
 اندیشه های مادی جدلیات مارکس تاثیر گرفت.

اندیشه مارکستی علاوه بر روسیه در کشور دیگر رواج پیدا کرد.
 هند هم تحت تأثیر برسر پیکار بود و نظریه اشتراکی را قرار گرفت. هند
 آن وقت علیہ حکومت انگلیسی علیہ استعمار امپیریالیست صدا بلند می
 کرد. نویسندگان و شاعران از حادثاتی که بر سطح بین المللی بوقوع می
 پیوست، تاثیر گرفتند. فیض احمد فیض هم ازین حادثات تاثیر گرفت او

فلسفہ اشتراکی بادقت مطالعہ کرد وبوسیله نظریہ جدلیات مارکس برای فهمیدن تصادف زندگانی سعی نمود۔ این حقیقت آشکار شد کہ عناصر زندگی زحمتکشان، پهنیدست پامال می کند۔ لذا فیض از افکار اشتراکی تاثیر گرفت۔ طوری می فرماید:

هم پە مشترک ہیں احسان غم الفت کے
 اتنے احسان کہ گنواؤں تو گنوا نہ سکوں
 ہم نے اس عشق میں کیا کھویا ہے کیا سیکھا ہے
 جز تیرے اور کو سمجھاؤں تو سمجھا نہ سکوں
 عاجزی سیکھی غریبوں کی حمایت سیکھی
 یاس و حرمان کے دکھ درد کے معنی سیکھے
 زیر دستوں کے مصائب کو سمجھنا سیکھا
 سرد آہوں کے رخ زرد کے معنی سیکھے (۴۴)

کمیونیسزم: تاثیر کمیونیسزم در ہند پس از انقلاب ۱۹۱۷ میلادی پدیدار شد۔ افکار کمیونیسزم پس از تشکیل مصنفین انجمن ترقی خواہ وگروہ روشنفکران قبول نمودند در فلسفہ کمیونزم دربارہ ختم کردن فرق بین امیر و تہیدست گفته شدہ و برای تشکیل چنین نظام جهانی کردہ شد کہ مساوات ہمدردی و ارزش بشری را فروغ داد۔ فیض احمد فیض ازین فلسفہ تاثیر گرفت۔ در عقیدہ فیض زندگی انسانی کہ در چنگال

نظام سرمایہ داران اسیر بود، از ان فقط بوسیله مبارزه عوامی میتوان نجات یافت۔ فیض احمد فیض از لحاظ نظریہ کمیونیزم مسایل مردم عامہ را بیان کردہ است۔ اشعار ذیل ملاحظہ بکنید:

کیوں میرا دل شاد نہیں

کیوں خاموش رہا کرتا ہوں

چھوڑو میری رام کھانی

میں جیسا بھی ہوں اچھا ہوں

میرا دل غمگین ہے تو کیا

غمگین یہ دنیا ہے ساری

یہ دکھ تیرا ہے نہ میرا

ہم سب کی جاگیر ہے پیاری

غم ہر حالت میں مہلک ہے

اپنا ہو یا اور کسی کا

رونا دھونا جی کو جلانا

یوں بھی ہمارا، یوں بھی ہمارا

کیوں نہ جہان کا غم اپنالیں

بعد میں سب تدبیریں سوچیں

بعد میں سکھ کے سپنے دیکھیں
 سپنوں کی تعبیریں سوچیں
 بے فکر دھن دولت والے
 یہ آخر کیوں خوش رہتے ہیں
 انکا سکھ آپس میں بانٹیں
 یہ بھی آخر ہم جیسے ہیں (۴۵)

کشاورزان: پس از جنگ جهانی حکومت انگلیسی در مالیات گذاری
 اضافه کرد. نظام سرمایہ داران سراسر کشور تسلط داشت به سبب این
 اوضاع کشاورزان خیلی بدتر شد. فیض احمد فیض عضو نهضت ترقی
 خواه بود، او دربارهٔ اوضاع رنجبران وکشاورزان و ستمدیدگان نوشت.
 اشعار ذیل ملاحظہ بکنید۔ درین اوضاع کشاورزان هند بیان کرده است:

آج تک سرخ و سیہ صدیوں کے سائے تلے
 آدم و حوا کی اولاد پہ کیا گزری ہے؟
 موت اور زیست کی روزانہ صف آرائی میں
 ہم پہ کیا گزرے گی، اجداد پہ کیا گزری ہے؟
 ان دمکتے ہوئے شہروں کی فراواں مخلوق
 کیوں فقط مرنے کی حسرت میں جیا کرتے ہے
 یہ حسیں کھیت، پھٹا پڑتا ہے جو بن جن کا
 کس نے ان میں فقط بھوک اگا کرتی ہے (۴۶)

طبقہ زحمتکشان: فیض عضو ترقی خواہ ادب بود، وعلیہ واستبداد صدا بلند کرد فیض مانند اعضای دیگر این نہضت دربارہ رنجبران و کشاورزان و ستمدیدگان نوشت۔ بطور نمونہ اشعار ذیل ملاحظہ فرمائیے۔

جب کہیں بیٹھ کے روتے ہیں وہ بے کس جن کے
 اشک آنکھوں میں بلکتے ہوئے سوجاتے ہیں
 نا توانوں کے نوالوں پہ جھپٹتے ہیں عقاب
 بازو تولے ہوئے منڈلاتے ہوئے آتے ہیں
 جب کبھی بکتا ہے بازار میں مزدور کا گوشت
 شاہراہوں پہ غریبوں کا لہو بہتا ہے
 آگ سی سینے میں رہ رہ کے ابلتی ہے نہ پوچھ
 اپنے دل پر مجھے قابو نہیں رہتا ہے (۴۷)

کارمندان: فیض احمد فیض از مسایل کارمندان توجہ داد۔ علاوہ براین او پس از قیام پاکستان باشوروی تجارت پوست و کارگر قطار علاقہ داشت۔ اوضاع ایشان بدقت مشاہدہ کرد و یک شعر بنام ”انتساب“ دربارہ ایشان نوشت:

آج کے نام

اور

آج کے غم کے نام
 آج کا غم ہے زندگی کے بھرے گلستان سے خفا
 زرد پتوں کا بن
 زرد پتوں کا بن جو مرا دیس ہے
 درد کی انجمن جو میرا دیس ہے
 کلرکوں کی افسردہ جانوں کے نام
 کرم خوردہ دلوں اور زبانوں کے نام
 پوسٹ مینوں کے نام
 تانگے والوں کے نام
 ریل بانوں کے نام
 کارخانوں کے بھوکے جیالوں کے نام

نظام سرمایہ داری : نظام سرمایہ داری بر سراسر ہند تاثیر

انداخت۔ رنجبران کشاورزان به سبب نظام سرمایہ خیلی پریشان شد۔

فیض برخلاف نظام سرمایہ بود مثلا اشعار ملاحظہ یکنید۔

دیکھ کہ آپن گر کی دکان میں

تند ہیں شعلے، سرخ ہے آپن

کھلنے لگے قفلوں کے دھانے

پھیلانے ہر اک زنجیر کا دامن (۴۸)

اوضاع و خورد سالان زنان :

فیض نہ فقط مسایل کشاورزان و زنجبران بیان کردہ، بلکہ

اوضاع زنان پاکستان را در اشعار خود ہم بیان کردہ است۔ مثلاً:

ان حسیناؤں کا نام

جن کی آنکھوں کے گل

چلمنوں اور دریچوں کی بیلوں پہ بیکار کھل کھل کے

مرجھا گئے ہیں

ان بیہتاؤں کے نام

جن کے بدن

بے محبت ریا کار سیجوں پہ سج سج کہ اکتا گئے ہیں

بیواؤں کے نام

کٹڑیوں اور گلیوں محلوں کے نام

جن کے سپایوں میں کرتی آہ و بکا

آنچلوں کے حنا

چوڑیوں کے کھنک

کاکلو کی مہک

آرزومند سینوں کی اپنے پسینے میں جلنے کی بو (۴۹)

ہمبستگی بین المللی: فیض احمد فیض نہ فقط علیہ ظلم و استبداد

حکومت کشور پاکستان بود، بلکہ ہمراہ ہمہ مردمان کہ در سراسر
 جہان برای نجات بشری از غلامی با حکومت کشور خود بر سر پیکار
 بودند۔ وبہمراہ آن زندانی کہ در زندان امریکا، ایران و ہند کشتہ شدہ۔
 جوانان ایرانی علیہ حکومت استبدادی ایران اعتراض کردند تقریباً
 بیست جوان معصوم در صحنہ زندان کشتہ شدند۔ تصویر این حادثہ در
 روزنامہ سراسر جہان انتشار یافت۔ این حادثہ فیض را سخت تکان داد
 او یک نظم بنام برای طلبہ ایرانی نوشت آن اینطور ہست:

یہ کون جوان ہیں ارض عجم

یہ لکہ لٹ

جن کے جسموں کی

بہر پور جوانی کا کندن

یوں خاک میں ریزہ ریزہ ہے

یوں کوچہ کوچہ بکھرا ہے

اے ارض عجم، اے ارض عجم

کیوں نوچ کے ہنس ہنس پھینک دئے

ان آنکھوں نے اپنے نیلم

ان ہونٹوں نے اپنے مرجان

ان ہاتھوں کی بے کل چاندی

کس کام آئی کس ہاتھ لگی؟

”اے پوچھنے پر دیسی

یہ طفل و جوان

اس نور کی نوری موتی ہے

اس آگ کی کچی کلیاں ہیں

جس میٹھے نور اور کڑوی آگ

سے ظلم کی اندھی رات میں پھوٹا

صبح بغاوت کا گلشن

اور صبح ہوئی من من تن تن (۵۰)

فیض احمد فیض با مسئلہ فلسطین خیلی وابستگی داشت۔ در سال ۱۹۶۷ میلادی بین عرب و اسرائیل جنگ صورت گرفت۔ درین جنگ عرب ها شکست خوردند و این جنگ موجب تباہی اقتصادی شد ازین جنگ فیض خیلی تاثیر گرفت۔ او عنوان مجموعه شعری ”سروادی سینا“ نهاد مجموعه شعر فیض ”دل من مسافر من“ این مجموعه یادگار بیروت است۔ این مجموعه شعر را به یاسر عرفات معنون کرد۔ این شعر دوران افاست بیروت برای شهیدان فلسطین نوشت:

میں جہان بھی گیا ارض وطن

تیری تذلیل کے داغوں کی جلن دل می لیے

تیری حرمت کے چراغوں کی لگن دل میں لیے

تیری الفت، تری یادوں کی کسک ساتھ گئی

تیری نارنج شگوفوں کی مہک ساتھ گئی
سارے ان دیکھے رفیقوں کا جلو ساتھ رہا
کتنے ہاتھوں سے ہم آغوش مرا ہاتھ رہا
دور پردیس کی بے مہر گزرگاہوں میں
اجنبی شہر کی بے نام و نشان راہوں میں
جن زمین پر بھی کھلا میرے لہو کا پرچم
لہلہاتا ہے وہاں ارض فلسطین کا علم
تیرے اعدانے کیا ایک فلسطین برباد
میرے زخموں نے کئے کتنے فلسطین آباد (۵۱)

فیض دوران حضور در تورتو شعر بعنوان ”لوری برای بچہ

فلسطین“ سرود۔ این شعر خیلی جالب است و سوز و گداز دارد:

مت رو بچہ

رو رو کے ابھی

تیری امی کی آنکھ لگی ہے

مت رو بچہ

کچھ ہی پہلے

تیرے ابا نے

اپنے عم سے رخصت لی ہے (۵۲)

سوسیالزم : ہمہ نویسندگان و شاعران ترقی خواه ادب نظریہ

سوسیالزم قبول نمودند و در باره این فکر کردند که اگر همه تھیدست، رنجبران، کشاورزان و مردم عام متحد بشوند و نظام فرسودہ دولتی و اقتصادی ختم بشود و یک نظام لو آغاز بشود. فیض احمد فیض ہم نظریہ سوسیالستی داشت. در عقیدہ فیض نجات از نظام فرسودہ، نخستین منزل آزادی است. اشعار زیر ملاحظہ کنید:

بول، کہ لب آزاد ہیں تیرے

بول، زبان اب تک تیری ہے

تیرا ستواں جسم ہے تیرا

بول کہ جاں اب تک تیری ہے

بول، یہ تھوڑا وقت بہت ہے

جسم و جان کی موت سے پہلے

بول، کہ سچ زندہ ہے اب تک

بول، جو کچھ کہنا ہے کہ لے (۵۳)

میہن دوستی : حالی و آزاد در قرن نوردہم دربارہ وطن دوستی

میلادی شعر سرودند و در قرن بیستم میلادی اقبال، جوش، حفیظ

جالندھری و فیض موضوع میہن دوستی را در رشتہ نظم کشیدند.

اشعار وطن پرستی فیض بر مردم پاکستان خیلی تاثیر گذاشت.

خصوصاً شعروں بعنوان ”نثار تیری گلیوں میں اے وطن“ (قربان بہ

کوچہ های تو ای وطن) خیلی شہرت یافت. این شعر در شعر جدید آردو

ضرب المثل گشت:

نثار میں تری گلیوں کے اے وطن کہ جہان
چلی ہے رسم کہ کوئی نہ سر اٹھا کے چلے
جو کوئی چاہنے والا طواف کو نکلے
نظر چرا کے چلے، جسم و جان بچا کے چلے (۵۴)

نظم مزبور فقط مربوط بہ وطن پرستی نسیت بلکہ این نظم
مربوط بہ مسایل سیاسی و اجتماعی معاصر است۔

ظلم و استبداد : فیض برای ستمدیدگان و تہیدستان ورنجیران صدا
بلند کردہ است۔ و بر خلاف ظلم و استبداد ہمیشہ برسر پیکار بود:

اپنی ہمت ہے کہ ہم جئے جاتے ہیں
زندگی کیا کسی مفلس کی قبا ہے جس میں
ہر گھڑی درد کے پیوند لگے جاتے ہیں
لیکن ظلم کے میعاد کے دن تھوڑے ہیں
ان ذرا صبر کر فریاد کے دن تھوڑے ہیں

اشعار مزبور مقاومت شاعر را علیہ ظلم و استبداد نشان می دهد۔

انتقاد بر نظام داد گستری:

فیض احمد فیض نہ فقط بر حکومت انتقاد کرد بلکہ نظام داد

گستری را ہم مورد انتقاد نمود، زیرا کہ اقدام داد گستری خفیہ بود۔
 بطور نمونہ اشعار زیر فیض عبارتنداز:

پھر حشر کے سامان ہوئے ایوان ہوس میں
 بیٹھے ہیں نوی العدل گنہگار کھڑے ہیں
 ہا جرم وفا دیکھیے کس کس پہ ہے ثابت
 وہ سارے خطا کار سردار کھڑے ہیں (۵۵)

پیکار طبقاتی:

فیض در زمان حکومت انگلیسی علیہ نظام سرمایہ داری، ظلم
 واستبداد، تعصب و بی عدالتی اقتصادی واجتماعی جنگ کرد کہ در
 پاکستان رواج داشت۔ فیض علیہ این خرابیها صدا بلند کرد۔ مثلاً:

کچھ محتسبوں کی خلوت میں، کچھ واعظ کے گھر جاتی ہے
 ہم بادہ کشوں کے حصے کی، اب جام میں کمتر جاتی ہے
 یوں عرض و طلب سے کب اے دل، پتھر پانی ہوتے ہیں
 تم لالہ رضا کی خو.. ڈالو، کب خونے ستمگر جاتی ہے
 بیداد گروں کی بستی ہے یاں داد کھان خیرات کھا
 سر پھوڑتی پھرتی ہے ناداں فریاد جو در در جاتی ہے
 ہاں، جان کے زیاں کی ہم کو بھی تشویش ہے لیکن کیا کیجئے
 ہررہ جو ادھر کو جاتی ہے، مقتل سے گذر کر جاتی ہے
 اب کوچہ دلبر کا رھرو، رھزن بھی بنے تو بات بنے

پھرے سے عدو ٹلتے ہی نہیں اور رات برابر جاتی ہے (۵۶)

اشعار ذکر شدہ انعکاس و ضیعت اجتماع پاکستان است۔ در
پاکستان کہ از آغاز نظام زمینداری مانده است۔ و اساس این نظام مربوط
به نابرابری اجتماعی و اقتصادی است به همین سبب سیاستمدار
ورہبران مذہبی بی عدالتی و نابرابری روان داشتند زیرا کہ این بنای
بقای ایشان هستند:

یوں پیرمغان شیخ حرم سے ہوئے یک جاں
میخانے میں کم ظرفی پرہیز بہت ہے
کوئی مسیحا نہ ایفائے عہد کا پہنچا
بہت تلاش پس قتل عام ہوتی رہی
یہ برہمن کا کرم، وہ عطائے شیخ حرم
کیہ حیات کبھی مے حرم ہوتی رہی (۵۷)

یکی از معروفترین شعر بعنوان ”شیشوں کامسیحا کوئی نہیں“
است۔ درین نظم فیض کشمکش زندگی و پیکار طبقاتی را تصویر کرده
است۔ بر نظام فرسودہ و فقر و فلاکت بشر سوگواری کردہ است بطور
نمونہ اشعار زیر:

تم ناحق شیشے چن چن کر
دامن میں چھپائے بیٹھے ہو
شیشوں کا مسیحا کوئی نہیں

کیا آس لگائے بیٹھے ہو

کب لوٹ جھپٹ سے ہستی کی

دوکانیں خالی ہوتی ہیں

یاں پریت پریت پیرے ہیں

یاں ساگر ساگر موتی ہیں

کچھ لوگ ہیں جو اس دولت پر

پردے لٹکائے پھرتے ہیں

ہر پریت ہر ساگر کو

نیلام چڑھاتے پھرتے ہیں

کچھ وہ بھی ہیں جو لڑ بھڑ کر

یہ پردے نوچ گراتے ہیں

ہستی کی اٹھالی گیروں کی

ہر چال الجھائے جاتے ہیں

ان دونوں میں رن پڑتا ہے

نت بستی بستی نگر بگر

ہر بستی گھر کے سینے میں

ہر چلتی راہ کے ماتھے پر

یہ کالک بھرتے پھرتے ہیں

وہ جوت جگاتے رہتے ہیں

یہ آگ لگاتے پھرتے ہیں

وہ آگ بجھاتے رہتے ہیں

سب ساغر، شیشے، لعل و گہر

اس بازی میں بد جاتے ہیں

اٹھو سب خالی ہاتھوں کو

اس رن سے بلاوے آتے ہیں (۵۸)

اشعار ذکر شدہ دربارہ شعور طبقاتی فیض نشان دادہ است۔

رنج دھقان: این یکی از موضوعات اشعار فیض احمد فیض کہ او رنج

دھقان و مسایل آنها را در اشعار خود ذکر نموده بطور نمونه:

جس کے ڈھوروں کو ظالم ہنکالے گئے

جس کی بیٹی کو ڈاکو اٹھا لے گئے

ہاتھ بھر کھیت سے ایک انگشت پٹوارنے کاٹ لی ہے

دوسرے مالے کے بھانے سے سرکارے کاٹ لی ہے

جس کی پگ زور والوں کے پاؤں تلے

دھجیاں ہو گئی ہے (۵۹)

مالیاتی کہ از طرف حکومت بر دھقانان تحمیل شدہ بود، علت این

مسایل اقتصادی گوناگون روبرو شد۔

زحمت طفلان: (Child Labour) فیض احمد فیض دربارہ اوضاع

طفلان پاکستان بیان کردہ است کہ بہ سبب تہیدستی از آموزش و پرورش محروم بود، وبالاخر زحمت می کشیدند۔ نمونہ آن ازینطور ہست:

پڑھنے والوں کے نام
 وہ جو اصحابِ طبل و علم
 کے دروں پر کتاب اور قلم
 کا تقاضہ لے، ہاتھ پھیلائے
 پہنچے، مگر لوٹ کر گھر نہ آئے
 وہ معصوم جو بھولین میں
 کے لئے پہنچے جہان
 بٹ رہے تھے، گھٹاٹوپ
 بے انت راتوں کے سائے (۶۰)

فیض احمد فیض در بیشتر انواع شعر، قطعہ، مواسوخت، نظم طبع آزمائی نمود۔ او در شیوہ قدیم موضوعات جدید آورده است۔ فیض از نظر سطح هنر و روش تجربات زیادہ نکرده است۔ شعرهای فیض نیم پابند و در ہیت معری می شوند۔ در شعر ترتیب قوافی بیشتر غیر محتمل می شوند۔ بطور نمونہ شعر بعنوان ”تنہائی“ ملاحظہ بکنید

پھر کوئی آیا دل زار! نہیں کوئی نہیں
 راہرو ہوگا، کہیں اور چلا جائیگا

ڈھل چکی رات بکھرنے لگا تاروں کا غبار
 لڑکھڑانے لگے ایوانوں میں خوابیدہ چراغ
 سو گئی راستہ تک تک کے ہر اک راہگزار
 اجنبی خاک دھندلا دئے قدموں کے سراغ
 گل کرو شمعیں، بڑھادو مے و مینا و ایاغ
 اپنے بے خواب کواڑوں کو مقفل کرلو

اب یہاں کوئی نہیں، کوئی نہیں آئیگا (۶۱)

در نظم ذکر شدہ مصرع دوم و مصرع نہم ہم قافیہ اند۔ و مصرع سوم و پنجم ہم قافیہ اند۔ مصرع چہارم، ششم، ہفتم ہم قافیہ اند، مصرع اول و ہشتم آزاد اند۔

نظم ”تنہائی“ علامتی است۔ موضوع تنہائی در شعر اردو اول نسبت، بلکہ قبل ازین علامہ اقبال سہ تا نظم بر موضوع نوشتہ است۔ فرق بین اقبال و فیض این است کہ اقبال از تنہائی شخصی شکایت کردہ و فیض از تنہائی اجتماعی اظہار سوگواری کردہ است۔ این نظم سیاسی است کہ در سال ۱۹۴۶ میلادی نوشتہ است۔ آن وقت رہبران ہند در زندان بودند، اما عقیدہ داشتند کہ آزادی نزدیک است، باوجودیکہ اوضاع آن وقت حتمی نبود ”لڑکھڑانے لگے ایوانوں میں خوابیدہ چراغ“۔ خوابیدہ چراغ استعارہ از علوم، فلسفہ مذہب و فنون لطیفہ ہند است۔ زیرا کہ آنان تاثیرات غربی قبول کردہ بودند بہ ہمین دلیل شاعر

’لڑکھڑانے‘ را از ’لرزیدن‘ تعبیر کردہ است۔

فیض احمد فیض شعر آزاد ہم سردوہ است۔ نخستین شعر آزاد از بعنوان ”بول کہ لب آزاد ہیں تیرے“ است۔ فیض درین شعر خود ترکیبات تازہ و تشبیہات نادر بکار بردہ است۔ بطور نمونہ اشعار وی ملاحظہ بکنید:

سب کاٹ دو

بسمل پودوں کو

یہ آب سسکتے مت چھوڑو

سب نوچ لو

بیکل پھولوں کو

شاخوں پہ بلکتے مت چھوڑو

یہ فصل امیدوں کی ہمدم

اس بار بھی غارت جائے گی

سب محنت، صبحوں شاموں کی

اب کے بھی اکارت جائے گی

کھیتی کے کونوں، کھدروں کی

پھر اپنے لہو کی گھاد بھرو

پھر مٹی سینچوں اشکوں سے

پھر اگلی رت کی بات کرو

جب پھراک بر اجڑنا ہے
 اک فصل پکی تو پھر پایا
 جب تک یہی کچھ کرنا ہے (۶۲)

درین شعر چندتا استعارہ است۔ این شعر مکالماتی است و مربوط
 بہ کشاورزان است۔ این نظم مقفی است بیشتر در بند پنجم و سوم دیدہ
 می شود۔ این نظم از لحاظ ہنر در مقابل شعرهای آزاد ”دست صبا“،
 ”ایرانی طلبہ کے نام“، ”برای نام دانشجوی ایران“ و نظم آزاد ”نقش
 فریادی“، ”بول کے لب آزاد ہیں تیرے“ بہتر است۔

فیض احمد فیض ازواژہ های کلاسیکی اردو و فارسی برای
 موضوعات جدید بکار بردہ است۔ نمونہ آن ازینطور ہست:

گل / آدرش سیاسی

بلبل / احساس ملی

شیخ محتسب / نظام استعماری، نظام سرمایہ دار

ہجر و فراق / ظلم و استثمار

وصل / انقلاب آزادی

عشق / انقلاب آزادی

گلچین قفس / هدف سیاسی

منابع و ماخذ

- (۱) آرین پوریحی، از نیما تاروزگارما، ص: ۴۹۲، انتشارات زورا تهران، ۱۳۹۴.
- (۲) یاحقی، دکتر محمد جعفر چون سبوی تشنه، ص: ۷۲، چاپ ینلخ ۱۳۷۵.
- (۳) آرین پوریحی، از صباتا نیما، ص: ۳۸۲.
- (۴) یاحقی، دکتر محمد جعفر هما، ص: ۷۳.
- (۵) علی شیر، لایق آفتاب سرخ ابو القاسم لاهوتی، ص: ۱۴-۱۶، مؤسسه نشراتی، مسکو، ۱۹۸۷.
- (۶) لاهوتی، ابو القاسم، دیوان، ص: ۲۶۴، اداره نشریات به زبان خارجی، ماسکو، ۱۹۴۶ میلادی.
- (۷) لاهوتی، ابو القاسم، همان، ص: ۲۷۲.
- (۸) لاهوتی، ابو القاسم، همان، ص: ۲۷۷.
- (۹) لاهوتی، ابو القاسم، دیوان، ص: ۲۴۰-۲۳۹.
- (۱۰) لاهوتی، ابو القاسم، دیوان، ص: ۳۶۶-۳۶۵.
- (۱۱) لاهوتی، ابو القاسم، دیوان، ص: ۳۸۳.
- (۱۲) لاهوتی، ابو القاسم، دیوان، ص: ۶۶.
- (۱۳) لاهوتی، ابو القاسم، دیوان، ص: ۶۷.
- (۱۴) لاهوتی، ابو القاسم، دیوان، ص: ۳۹۰-۳۸۹.
- (۱۵) لاهوتی، ابو القاسم، دیوان، ص: ۳۸۶-۳۸۵.
- (۱۶) لاهوتی، ابو القاسم، دیوان، ص: ۲۹۷.
- (۱۷) لاهوتی، ابو القاسم، دیوان، ص: ۳۰۴.
- (۱۸) لاهوتی، ابو القاسم، دیوان، ص: ۴۱۶.
- (۱۹) علی شیر، لایق آفتاب سرخ، ص: ۲۲-۲۱.
- (۲۰) علی شیر، لایق آفتاب سرخ، ص: ۳۰-۲۹.
- (۲۱) لاهوتی، ابو القاسم، دیوان، ص: ۹۸.

- (۲۲) لاهوتی، ابو القاسم، دیوان، ص: ۱۱-۱۲.
- (۲۳) علی شیر، لایق آفتاب سرخ، ص: ۳۱-۳۲.
- (۲۴) علی شیر، لایق آفتاب سرخ، ص: ۹۹.
- (۲۵) علی شیر، لایق آفتاب سرخ، ص: ۶۸.
- (۲۶) لاهوتی، ابو القاسم، دیوان، ص: ۱۸-۱۹.
- (۲۷) علی شیر، لایق آفتاب سرخ ابو القاسم، ص: ۷۴.
- (۲۸) علی شیر، لایق آفتاب سرخ ابو القاسم، ص: ۷۵.
- (۲۹) علی شیر، لایق آفتاب سرخ ابو القاسم، ص: ۷۰.
- (۳۰) لاهوتی، ابو القاسم، دیوان، ص: ۱۵.
- (۳۱) لاهوتی، ابو القاسم، دیوان، ص: ۲۳۹-۲۴۰.
- (۳۲) لاهوتی، ابو القاسم، دیوان، ص: ۲۴.
- (۳۳) مرزا ڈاکٹر ایوب، فیض نامہ، انتشارات، خدا بخش اورینٹل لائبریری پٹنہ، سال ۲۰۰۲ میلادی، ص: ۱۵.
- (۳۴) اعجاز ڈاکٹر منظر فیض احمد فیض، اور..... مرے دریچے میں، چاپ مکتبہ انعکاس، مظفر پور، بہار، چاپ اول، سال ۲۰۰۳، ص: ۱۲.
- (۳۵) اعجاز ڈاکٹر منظر فیض احمد فیض، همان، ص: ۱۳.
- (۳۶) فیض نامہ، همان، ص: ۶۰.
- (۳۷) اعجاز ڈاکٹر منظر، ص: ۱۷.
- (۳۸) فیض احمد فیض: دست تہہ سنگ نسخہ های وفا، ص: ۳۰۸، ایجوکیشنل ہاوس دہلی، ۲۰۰۵.
- (۳۹) فیض احمد فیض: نقش فریادی، ص: ۵۴، نسخہ های وفا ۶۲.
- (۴۰) فیض احمد فیض: دست صبا، ص: ۲۰-۲۱.
- (۴۱) دست تہہ سنگ، ص: ۵۲، نسخہ های وفا ۳۶۶.
- (۴۱) (أ) سروادی سینا، ص: ۶۹-۷۰، نسخہ های وفا: ۴۴.
- (۴۲) فیض احمد فیض: دست صبا، ص: ۴۲، نسخہ های وفا: ۱۳۸.

- (۴۳) فیض احمد فیض : نقش فریادی، ص: ۵۸، نسخه های وفا: ۶۶.
- (۴۴) فیض احمد فیض : نقش فریادی، ص: ۶۲، نسخه های وفا: ۷۰.
- (۴۵) نقش فریادی، ص: ۵۶، نسخه های وفا: ۶۴.
- (۴۶) نقش فریادی، ص: ۸۲، نسخه های وفا: ۹۰.
- (۴۷) فیض احمد فیض : نقش فریادی، ص: ۶۲، نسخه های وفا: ۷۰.
- (۴۸) فیض احمد فیض : نقش فریادی، ص: ۷۳، نسخه های وفا: ۸۱.
- (۴۹) سرواری سینا ۲۱، نسخه های وفا: ۳۹۵.
- (۵۰) دست صبا: ۶۰، نسخه های وفا: ۱۵۶.
- (۵۱) مرے دل مرے مسافر: ۵۰، نسخه های وفا: ۶۵۶.
- (۵۲) مرے دل مرے مسافر: ۵۲، نسخه های وفا: ۶۵۸.
- (۵۳) نقش فریادی، ص: ۷۳، نسخه های وفا: ۸۱.
- (۵۴) دست صبا، ۶۵، نسخه های وفا: ۱۶۱.
- (۵۵) دست صبا، ۳۰، نسخه های وفا: ۱۲۶.
- (۵۶) فیض احمد فیض : نقش فریادی، ص: ۸۱-۸۰، نسخه های وفا: ۲۷۰.
- (۵۷) فیض احمد فیض : نقش فریادی، ص: ۶۹، ۶۰، نسخه های وفا: ۵۴۷، ۵۳۹.
- (۵۸) فیض احمد فیض، دست صبا، ص: ۷۰، نسخه های وفا: ۱۶۶.
- (۵۹) فیض احمد فیض : سروادی سینا، ص: ۲۰، نسخه های وفا: ۳۹۴.
- (۶۰) فیض احمد فیض : سروادی سینا، ص: ۲۲-۲۳، نسخه های وفا: ۳۹۶-۳۹۷.
- (۶۱) فیض احمد فیض : نقش فریادی، ص: ۶۳، نسخه های وفا: ۷۰.
- (۶۲) فیض احمد فیض : زندان نامه، ص: ۹۲-۹۳، نسخه های وفا: ۲۸۲-۲۸۳.

فصل چہارم

مطالعہ تطبیقی شعر ابو القاسم لاهوتی

وفیض احمد فیض

مطالعه تطبیقی شعر ابو القاسم لاهوتی و فیض احمد فیض

انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷ میلادی بوقوع پیوست که برکشور سراسر جهان بطور خاص بر آن ملت‌ها وکشورهای که تحت تسلط نیروهای استعماری بود. تاثیر زیادی گذاشت. به سبب این انقلاب تحولات گوناگون در آن کشور بوقوع پیوست. شاعران و نویسندگان آن کشور ازین انقلاب تاثیر گرفتند. ابو القاسم لاهوتی که ایرانی بود، و فیض احمد فیض که هندی بود ازین انقلاب خیلی تاثیر گرفتند. اگر چه هر دو شاعر در کشورهای مختلف زندگی کردند در زبان مختلف شعر سرودند ولی افکار آنان خیلی مشابهت داشت. آنان نظریه سوسیالیستی داشتند و درباره حقوق بینوایان و ستمدیدگان از جمله رنجبران و کارگران و کشاورزان و زنان در اشعار خود مورد بحث قرار دادند. موضوع میهن پرستی، انتقاد بر نیروهای استعماری و نظام سرمایه داری در اشعار ایشان وجود دارد.

موضوعات سیاسی و اجتماعی که ابو القاسم لاهوتی و فیض احمد

فیض در اشعار خود مورد بحث قرار داده اند، ازینطور هست:

انقلاب: موضوع انقلاب یکی از مهمترین موضوعات قرن بیستم

میلادی بود و اغلب شاعران و نویسندگان جهان موضوع انقلاب را در

اشعار خود آورده اند. لاهوتی که مانند شاعران فارسی معاصر هم

موضوع انقلاب را در اشعار خود آورده و بوسیله این اشعار انقلابی ایرانیان علیه حکومت استبدادی و بیدادگران داخلی و خارجی و خائنین ملك و ملت و نظام سرمایه داری و نیروهای استعماری بیدار کرده است. فیض احمد فیض یکی از شاعران انقلابی بود. او عضو نهضت ترقی خواه ادب بود. به همین سبب او علیه نظام سرمایه داری و استعماری مردم هند را بیدار کرده است و بوسیله اشعار خود برای آوردن انقلاب مردم هند را دعوت کرده است. اشعار لاهوتی که ایرانیان برای انقلاب دعوت داده است، ازینطور هست:

بدو دست آبله دار تو که بجز دوبازوی کار تو
 نبود معاون و یار تو نه خدانه شیخ و نه پادشاه
 چه کنی درنگ ، شتاب کن ، بنجات خود انقلاب کن
 تو اساس ظلم خراب کن، تو بساط عدل بپانما (۱)

قربان آندمی که زخون توانگران
 دریای انقلاب شود پر حباب سرخ
 ای خواجه خون رنجبر امروز کم زیر
 فرد احساب از تو کشد انقلاب سرخ
 در خون خائنان وطن واجست غسل
 در شرع انقلاب بنص کتاب سرخ (۲)

اشعار فیض ازینطور هست:

اے خاک نشینوں اٹھ بیٹھو، وہ وقت قریب آپہنچا ہے
 جب تخت گرائے جائیں گے، جب تاج اچھالے جائیں گے
 اب ٹوٹ گریں گی زنجیریں اب زندانوں کی خیر نہیں
 جو دریا جھوم کہ اٹھے ہیں، تنکوں سے نہ ڈالے جائیں گے
 کٹتے بھی چلو بڑھتے بھی چلو، بازو بھی بہت ہیں سر بھی بہت
 چلتے بھی چلو کہ اب ڈیرے منزل ہی پہ ڈالے جائیں گے
 اے ظلم کے ماتولب کھولو، چپ رہنے والے چپ کب تک
 کچھ حشر تو ان سے اٹھے گا، کچھ دور تو نالے جائیں گے (۳)

در اشعار فوق الذکر ہر دو شاعر دربارهٔ انقلاب مردم کشور خود
 را بیدار کرده اند۔ لاهوتی این اشعار را در دوران انقلاب مشروطیت
 نوشت و بوسیله این اشعار ایرانیان را بیدار کرده است۔ لاهوتی درین
 اشعار بہ رنجبران گفته است کہ شما تنها باشید هیچ کس طرفدار شما
 نیست ازین رو شما باید برای نجات خود بہ زودی انقلاب بیاورید۔
 زیرا کہ جبر و استبداد کہ بر طبقہ تہیدست و رنجبران کردہ می شود، ختم
 شد۔ وبی عدالتی کہ در اجتماع ایران وجود دارد، بہ پایان رسید۔ لاهوتی
 یک طرف بہ طبقہ رنجبران بیدار می کند و طرف دیگر توانگران را هشدار
 می کند فیض احمد فیض همان طور برای انقلاب مردم پاکستان را بیدار
 می کند فیض مانند لاهوتی ہم برای انقلاب پر خاشگر دعوت می دہد۔ در

اشعار فیض و لاهوتی برای انقلاب لهجه رجائی است. آنان از لحاظ فکر خیلی مشابهت دارند، ولی اشعار ایشان فرق اندکی دارد. اشعار لاهوتی علیه نیروهای خارجی است که بر ایران تسلط دارند و علیه آنان و حکومت استبدادی برای دعوت انقلاب می دهد. فیض علیه نظام حکومت پاکستان است که آن جا حکومت جمهوری برای نام است. لاهوتی بیشتر اشعار انقلابی دوران تبعید سروده است. ولی فیض بیشتر اشعار انقلابی دوران زندانی سروده است.

سیاسی :

اوضاع سیاسی هر دو کشور دگرگون بود زیرا که در پاکستان حکومت جمهوری برای نام بود. و در ایران حکومت پادشاهی بود که با کمک نیروهای خارجی حکومت می کرد. ایرانیان علیه شاه انقلاب مشروطیت شروع کردند. بیشتر اشعار لاهوتی که دوران مشروطه سروده شده، دارای مضامین سیاسی و اجتماعی بود، ولی فیض اشعاری که قبل از وجود آمدن پاکستان سروده، مربوط به اجتماع یعنی درباره مسایل تهیدست، رنجبران، و کشاورزان بود. بعداً اشعار سیاسی سروده. آن جا نظام جمهوری فقط برای نام بود و در پاکستان نظام جاگیری هم وجود داشت. توقعاتی که از آزادی بود، تکمیل نه یافت. به همین سبب این را داغدار گفت. بطور نمونه اشعار سیاسی فیض ملاحظه بکنید:

یہ داغ داغ اجالا، یہ شب گزیدہ سحر
 وہ انتظار تھا جس کا، یہ وہ سحر تو نہیں
 یہ وہ سحر تو نہیں جس کی آرزو لیکر
 چلے تھے یار کہ مل جائیں گے کہیں بہ کہیں
 کہاں سے آئی تھی نگار صبا او کدھر کو گئی
 ابھی چراغ سر وہ کچھ خبر ہی نہیں
 نجات دیدہ ودل کی گھڑی نہیں آئی
 چلے چلو کہ وہ منزل ابھی نہیں آئی (۴)

فیض احمد فیض پس از وجود آمدن پاکستان با حکومت ارتشی
 ہمیشہ روبرو شد. وقتی کہ فیض از اتحاد شوروی بازگشت، اسیر شد
 و تقریباً شش ماه در زندان بود، ولی لهجہ وی با استقامت مملو بود
 فیض گفت:

آگئی فصل سکون چاک گریباں والو
 سل گئے ہونٹ کوئی زخم سلے یا نہ سلے
 دوستوں بزم سجاؤ کہ بہار آئی ہے
 کھل گئے زخم کوئی پھول کھلے یا نہ کھلے (۵)

اشعار سیاسی لاهوتی کہ درہنگام محاصرہ تبریز بود، این
 محاصرہ از طرف سپاہیان شاہ بود و درین محاصرہ آنان شکست
 خوردند۔ لاهوتی دربارهٔ این واقعہ شعر سروده است و اوضاع سیاسی

واجتماعی ایران را بیان کرده است. بطور نمونه اشعار لاهوتی ازینطور هست:

اردوی خسته عاجز شد و برگشت
 برگشت نه مامیل از حمله احرار
 ره باشد و گندم و آذوقر به خروار
 هی وارد تبریز از هردو و هردشت
 از خوردن اسب و علف و برگ درختان
 فارغ چو شد آن ملت با عزم و اراده
 آزاده زنی بر سر یک قبر ستاده
 بادیده ای از اشک پر و دامنی از نان (۶)

اشعار فوق الذکر لاهوتی در شکل یک داستان هست. درین شاعر احساسات مادر بیان کرده است. یک طرف وی از آزادی، خوشحال است. به طرف دیگر مایوس هست زیرا که پسر گرسنه او در میان وی وجود ندارد. درین نظم لاهوتی اوضاع سیاسی واجتماعی ایران را بیان کرده است. از اشعار فوق الذکر معلوم می شود که هر دو شاعر از اوضاع سیاسی کشور خود پریشان بودند زیرا که حکومت استبدادی بود که باکمک خارجیان حکومت می کرد. همه ایرانیان علیه حکومت پادشاهی بودند و تظاهرات می کردند به همین علت حکومت ایران بر آنان ظلم و استبدادی می کرد. نویسندگان و شاعران آن وقت بر خلاف حکومت

استبدادی بودند در نتیجه این آنان به زندان فرستاده شدند. همان طور
 اوضاع سیاسی پاکستان غیر مستحکم بود. در پاکستان بیشتر حکومت
 ارتشی بود کسی که اگر بر خلاف حکومت صدا بلند می کرد حکومت بر
 آن هرگونه مظالم را روا داشت. اشعار فیض و لاهوتی مربوط به سیاسی
 است. فیض حکومت ارتشی را مورد انتقاد نمود. و لاهوتی حکومت
 پادشاهی را مورد انتقاد قرار داده هر دو شاعر در کشور خود حکومت
 جمهوری می خواستند. به همین سبب اشعار فیض و لاهوتی در زمینه
 سیاست خیلی مشابهت دارد.

کمیونیسیم :

کمیونیسیم یکی از مهمترین موضوعات قرن بیستم میلادی بود
 پس از انقلاب بالشوک افکار کمیونیسیم در سراسر جهان خیلی تاثیر
 گذاشت این افکار بطور خاص در هند و ایران قبولیت فراوان یافت.
 زیرا که در هند حکومت انگلیسی بود و در ایران نفوذ خارجیان زیاد شده
 بود به همین سبب نویسندگان و شاعران عصر بیداری ازین انقلاب خیلی
 تاثیر گرفتند. و دربارهٔ طبقه نادار و زحمتکشان و محرومیان در تحریر
 خود طرفداری کردند. لاهوتی هم تحت نفوذ تعلیم مارکستی بود او از
 حقوق بینوایان و ستمدیدگان از جمله رنجبران، کارگران کشاورزان و
 زنان خودش بیان کرده است. در عقیده لاهوتی کمیونیسیم برای بهبود
 بشریت بهترین راه زندگی است. زیرا که کمیونیسیم حق مساوات نادار

و برای حقوق زنان و ستمدیدگان صدا بلند کرده است. اشعار آتیه
 لاهوتی که مربوط به افکار کمیونیسم بشمار می رود، ازینطور هست.

در دست او همیشه کتاب و قلم بود
 پیوسته در مبارزه ما بیش و کم بود
 از نقطه حساب تجاوز نمی کند
 همسایه و رفیق وزن و خویش آشنا (۷)

در اشعار فوق ذکر لاهوتی خصوصیات کمیونیسم را بیان کرده
 است که کمیونیسم آن است که در دست خود همیشه کتاب و قلم دارد. و با
 همسایه و رفیق وزن و خویش دارای آشنائی می باشد.
 جنبه های مارکسستی در اشعار لاهوتی زیاد دیده می شود
 لاهوتی بر خلاف ظلم و بی عدالتی و در حمایت رنجبران شعر سروده
 است. نمونه اشعار لاهوتی ازینطور هست.

شیخ گوید عدل بایک باشد و بیداد هم
 در جهان انصاف هم فرضست و استبداد هم
 لیک من گویم، بدون مغله ویران می شود
 لندن و پارس و برلن، بصره و بغداد هم
 مرده باد این عالم ظالم و خیانت کاندرواوست
 بینوا هم، اغنیاهم، بنده هم آزاد هم
 زنده باد! پتک و داس توده زحمت که آن

سازد آن نو عالمی بی صنف و بی اضدادہم (۸)

در اشعار فوق ذکر لاهوتی افکار کمیونیسٹم بیان کردہ است۔
 سراسر اشعار مزبور لاهوتی مملو از اہمیت کارگران است درین اشعار
 لاهوتی می گوید کہ بدون کارگر دنیا ویران شود لاهوتی مخالف این
 فلسفہ است کہ در دنیا ظلم و عدل اند۔

اکنون اشعار فیض ملاحظہ بکنید:

غم ہر حالت میں مہلک ہے

اپنا ہویا اور کسی کا

رونا دھونا جی کو جلانا

یوں بھی ہمارا یوں بھی ہمارا

کیون نہ جہان کا غم اپنائے

بعد میں سب تدبیریں سوچیں

بعد میں سکہ کے سپنے دیکھیں

سپنوں کی تعبیریں سوچیں

بے فکر دہن دولت والے

یہ آخر کیوں خوش رہتے ہیں

انکا سکہ آپس میں بانٹیں

یہ بھی آخر ہم جیسے ہیں (۹)

سراسر اشعار فیض حامل فلسفہ کمیونیسٹم است درین اشعار از

آلام و مصائب جهان صحبت شده است. علاوه بر این برای تقسیم دولت ثروتمندان هم سخنی آمده است و فیض می گوید باید راحت ثرمندان میان مردم تقسیم شود که ایشان مانند غربا هستند. در اشعار سراسر اشعار فوق ذکر فیض احمد فیض درباره فلسفه اساسی کمیونیسم را نشان داده است. ازین اشعار این هم معلوم شد که فیض در حق مساوات بود.

از اشعار مزبور معلوم شد که هر دو شاعر نظریه کمیونیسم داشتند ایشان برای طبقه نادار و زحمتکشان طرفداری کردند. و در اشعار خود حقوق بینوایان و ستمدیدگان از جمله رنجبران، کارگران در اشعار خود بیان کردند. در نظریه و ایشان برای بهبود بشریت، کمیونیسم بهترین راه زندگی است به همین سبب ایشان به سوی فلسفه کمیونیسم متمایل گردیدند. از لحاظ فکر، آنان خیلی مشابهت دارند. لاهوتی در اشعار خود اهمیت کارگران را بیان کرده است. و فیض درباره تقسیم اموال ثروت مندان بیان کرده است. علاوه بر این به بستاندن اموال دیگر هم در شعر فیض تاکید آمده است. در اشعار آنان افکار کمیونیسم وجود دارد ولی فرق بین شعر لاهوتی و فیض این است که لاهوتی در اشعار خود اهمیت کارگران، رنجبران بیان کرده است. ولی فیض به تقسیم ثروت و زمین تاکید نموده. زیرا که در پاکستان اصلاحات اراضی نه شده بود. آنان مسایل مردم از نظریه کمیونیسم بادقت

مشاهده کردند و در اشعار خود بیان کردند.

سوسیالزم:

نظریه سوسیالزم در ایران دوران انقلاب مشروطیت فراوان قبولیت یافت. شاعران و نویسندگان عصر بیداری ازین نظریه تاثیر گرفتند. و مسایل مردم عامه در اشعار خود آوردند. لاهوتی که به سبب رفت و آمد به اتحاد شوروی از نظریه سوسیالیستی تاثیر گرفت. و فیض احمد فیض وقتی که در سال ۱۹۳۶ میلادی انجمن مصنفین ترقی خواه ادب در هند تشکیل یافت. فیض احمد فیض به این انجمن تأثیراتی قبول کرد و موضوعات گوناگون نسبت به رنجبران، تهیدست و کشاورزان در تحریر خود آورد. فیض احمد فیض که عضو نهضت ترقی خواه ادب بود او به مسایل طبقه مادون، رنجبران، و کشاورزان را مورد توجه قرار داد. پس معلوم شد که هر دو نظریه سوسیالیستی دارند بطور نمونه اشعار لاهوتی ازینطور هست.

توده رنجبران کنون رسته است

دهن از شیر تماما شته

خود شده لایق هر راهبری

رهبری بامتور بجبری

لیکن آن کهنه دلان، کهنه سران

ببندد به این رنجبران

تو کہ مدرسہ سوسیالیسر
 ہستی استاد علوم بنسیم
 خواہی از شاخ درخت زحمت
 درامان ماند از ایشان آفت
 بہ نمایندگئی کارگران
 چون امین ہمہ رنجبران
 این خسان را ہمہ از بیخ بزن
 این ستون های مضر را برکن (۱۰)

اشعار فیض ملاحظہ بکنید

ہم نے اس عشق میں کیا کھویا ہے اور کیا سیکھا ہے
 جز تیرے کسی اور کو سمجھاؤں تو سمجھا نہ سکوں
 عاجزی سیکھی غریبوں کی حمایت سیکھی
 یاس حرمان کے دکھ درد کے معنی سیکھے
 زیر دستوں کے مصائب کو سمجھنا سیکھا
 سرد آپوں کے رخ زرد کے معنی سیکھے (۱۱)

از اشعار فوق الذکر معلوم شد کہ ہر دو شاعر نظریہ سوسیالزم
 داشتند اشعار آنان مربوط بہ جنبہ بشری است۔ آنان مسایل مردم عامہ
 در اشعار خود بیان کردہ اند۔ لاهوتی و فیض با حکومت کشور خود بر
 سر پیکار بودند آنان برای طبقہ نادار صدا بلند کردند بہ ہمین سبب

آنان در کشور خود گرفتار شدند. ولی برای حق بینوایان و کشاورزان جنگ می کردند. بیشتر اشعار لاهوتی مربوط به کمیونیسم است. و لاهوتی برای تمام شعبه های حیات انسانی نظریه کمیونیسم را لازم گرداند. به همین سبب وقتی که او برای مسایل رنجبران و تهیدست مورد بحث قرار می دهد آن جا کمیونیسم ذکر می کند. لاهوتی سوسیالزم را بنیاد اصلی می گرداند. فیض هم نظریه سوسیالستی دارد و در نظریه وی سوسیالزم برای حل مسایل مرد عامه و رنجبران و تهیدستام این امر را لازم گرداند. ولی در نظریه فیض این امر از لحاظ اوضاع کشور می باشد. زیرا که سوسیالزم چین و روس جدا از نظام سودان و دنمارک است. درباره سوسیالزم فیض می گوید:

”شوشلزم بهی تو ایک طریق کار ہے کوئی عقیدہ نہیں ہے وہ

تو ایک نظریاتی سیاسی اور اقتصادی ڈھانچہ ہے. ایک با

قاعدہ نظام ہے“ (۱۲)

سوسیالزم یک روش است. این عقیده نیست. آن پیشنهاد نظریاتی و اقتصادی است. مکمل یک نظام هست. چنانچه آنان نظریه سوسیالستی دارد ولی فرق بین آنان این است که لاهوتی نظریه سوسیالزم را یک بنیاد اصل می گرداند. فیض این را یک روش می گرداند.

کشاورزان:

کشاورزان در قرن بیستم میلادی به سبب نظام سرمایه داری

بامسایل گوناگون دچار بودند. بالخصوص کشاورزان آن کشور خیلی پریشان بودند که آن جانپروهای استعماری تسلط داشتند. زیرا که کشاورزان مالیات گوناگون تحمیل کرده شدند. به همین سبب اوضاع کشاورزان بتدریج از بد به بدتر می گرائید و دچار فقر و فلاکت بودند. شاعران و نویسندگان آن کشور فقر و ناداری کشاورزان با شدت احساس کردند و درباره حقوق آنان نوشتند.

از شاعران که درباره اوضاع کشاورزان در اشعار خود شان بیان کرده اند از آنها ابو القاسم لاهوتی و فیض احمد فیض معروف اند آنان در منطقه جداگانه زندگی می کردند این در زبان مختلف شعر می سرودند لاهوتی که شاعر بیداری بود و از انقلاب باشوک تاثیر گرفت. اشعاری که درباره کشاورزان سرود چند تا از آن درج ذیل هست:

ستالین جان تو ما را رهنمائی
 برادر هم پدر هم پیشوائی
 بر سر هوش و به درد مادوائی
 خلاصه جان مائی، بخت مائی
 ستالین گویم و رانم زمین را
 هر گل بنگرم روسی لینین را
 به هر سختی که در وه پیش آید
 که با آن جنگ کردن هیچ نتوان

بہ وی نام ستالین را بگوئید

شود آن نکته حل آن سخت آسان (۱۳)

فیض احمد فیض شاعر ترقی خواہ بود او ہم اوضاع کشاورزان
در اشعار خود بیان کردہ است۔ وقتی کہ حکومت انگلیسی برہند حکومت
می کرد۔ برکشاورزان مالیات گوناگون تحمیل کردہ بود۔ بہ سبب این
مالیات اوضاع کشاورزان دگرگون شدہ بود فیض احمد فیض از حیث
یک شاعر این چیزی را با دقت مورد مطالعہ قرار د و اوضاع کشاورزان در
اشعار خود بیان کرد۔ بطور نمونہ اشعار فیض ملاحظہ کنید۔

آج تک سرخ و سیہ صدیوں کے سائے تلے
آدم و حوا کی اولاد پہ کیا گذری ہے
موت اور زیست کی روزانہ صف آرائی میں
ہم پہ کیا گذرے گی، اجداد پہ کیا گذرے گی
ان دمکتے ہوئے شہروں کے فراوان مخلوق
کیوں فقط مرنے کی حسرت میں جیا کرتے ہیں
یہ حسین کھیت پھٹا پڑنا ہے جو بن جنگا
کس لئے اس میں فقط بھوک اُگا کرتی ہے (۱۴)

اشعار کہ در فوق ذکر شدہ مربوط بہ اوضاع کشاورزان است
پاس روشن گردید کہ ہر دو شاعر دربارہ کشاوران شعر سرودہ اند۔
آنان اوضاع کشاورزان با دقت مورد مطالعہ قرار دادند ہر دو اوضاع

کشاورزان را که دچاره گر سنگی و فقر و فلاکت و مالیات بودند آنان را در اشعار خود شان بیان کرده اند.

اوضاع زنان و خورد سالان:

زنان در ایران از معاشرت و ملاقات و صحبت با مردان محروم بودند. بیشتر در گوشه خانه محبوس بودند. حتی اجازه و بازدید با نزدیکان خود هم نداشتند زنان ایران در چادر سیاهی مستور بودند و از جمله امتیازات اجتماعی آن زمان محروم بودند. در ایران ظلم و ستمگری عادت و طبیعت ثانوی مردم شده بود. و هر کسی که قوی تر و زورمند تر بود نسبت به پائین خود ظلم می کرد و چون زنان از همه ضعیف تر بودند مظلوم ترین طبقات ایران محسوب می شدند و ظلم و ستمگری در حق آنها ما فوق تصور بود.

زنان بحدی تحقیر می کردند که مردها آنها را ضعیفه می گفتند و از بردن نام آنها خود داری می کردند. پس شاعران و نویسندگان ایران در دوران مشروطیت به سوی زنان مورد توجه قرار دارند. و درباره تربیت و آزادی زنان و تساوی حقوق زنان در خانواده جامعه مورد بحث قرار دادند. لاهوتی که یکی از شاعران عصر بیداری بود در اشعار خود مسایل زنان بیان نموده است. و همه خرافات و تعصبات که بردوش زنان سنگینی می کرد جهاد نموده است. فیض احمد فیض اوضاع زنان در اشعار خود بیان کرده است. و حقوق زنان را هم مورد بحث قرار داده

است اوضاع زنان در آسیا کم و بیش یکسان هستند در آن جا مردم بر زنان تسلط داشتند. در همه شعبه های حیات بشری مثلا تعلیم بهیداشت. و در روز نامه نویسی مرد تسلط داشت زنان آسیای جنوبی بالخصوص زنان پاکستان از جبر و استبداد گوناگون دچار بودند. اشعاری که لاهوتی درباره زنان سروده است. ازینطور هست.

ای مه ملك عجم، ای صنم عالم شرق
 هوش گرد آور و برگفته من دل بگمار
 ننگ باشد که در پرده و خلقی آزاد
 شرم باشد که تودر خواب و جهان بیدار
 حیف نبود قمری مثل تو محروم از نور
 عیب نه شود شجری چون توتھی دست از ما بر
 ترک چادر کن و مکتب برو درس بخوان
 شافه جهل ندارد شمیری جز ادبار
 دانش آموز و از احوال جهان آگاه شو
 وین نقاب سیه از روی مبارک بردار
 علم اگر نیست ز حیوان چه بود فرق بشر.
 بوی اگر نیست، تفاوت چه کند گل از خار (۱۵)

اشعار فیض درباره زنان ازینطور هست.

ان حسیناؤں کے نام

جن کے آنکھوں کے گل

چلمنون اور دریچوں کے بیلوں پہ بیکار کھل کھل کے

مرجھا گئے ہیں

ان بیاہتاؤں کے نام

جن کے بدن

بے جا محبت ریاکار سیجوں پہ سج سج کر اکتا گئے ہیں

بیواؤں کے نام

کٹڑیوں اور گلیوں ، محلوں کے نام

جن کے ناپاک خاشاک سے چاند راتوں

کو آ آ کے کرتا ہے اکثر وضو

جن کے سایوں میں کرتی ہے آہ وبکا

آنچلو کی حنا

چوڑیوں کی کھنک

آرزومند سینوں کی اپنے سینے میں جلنے کی بو (۱۶)

اشعاری کہ در فوق ذکر شدہ مربوط بہ اوضاع زنان ہست

لاہوتی و فیض دربارہ اوضاع زنان کشور خود در اشعار آورده اند۔

و نظریاتی کہ نسبت بہ زنان در اجتماع ہر دو کشور ہند و ایران و آنان را

مورد نکوہش قرار دادند۔ و برای حق زنان ہم صدا بلند کردند فرق بین

شعر لاہوتی و فیض نسبت بہ زنان این است کہ لاہوتی در اشعار خود

درباره دانش و آموزش دختران تاکید کرده است. زیرا که نویسندگان و شاعران عصر بیداری به سوی کشور بیگانه بالخصوص اروپا مسافرت کردند آنان در اروپا، زنان را آموخته یافتند ازین رو نویسندگان و شاعران ایران تاثیر گرفتند پس از آن در ایران برای دانش و آموزش دختران سعی نمودند و بوسیله اشعار خود ایرانیان را برای آموزش و پرورش دختران تشویق نمودند لاهوتی ایرانیان را از اهمیت علم معرفی کرد و در اشعار خود گفت که اگر بشر علم ندارد بین بشر و حیوان هیچ فرق نیست لاهوتی با امثال گوناگون برای آموزش و پرورش تاکید کرده است.

حجاب یکی از مهمترین موضوعات شاعران عصر بیداری بود. همه شاعران عصر بیداری بر حجاب انتقاد نمودند چونکه آنان از اروپا تاثیر گرفته بودند به همین سبب آنان در جامعه ایرانی را بی حجابی می خواستند شاعران عصر بیداری نقاب را با کفن تشبیه داده اند در دوران مشروطیت جوانان ایران به ترک کردن حجاب خیلی فعال بودند. لاهوتی به کشور خارجی مسافرت نمودن و بدین سبب ازین رو از افکار اروپا تاثیر گرفته وی یک طرف دختران ایران را برای تعلیم تشویق نموده و به طرف دیگر برای ترک کردن حجاب تاکید کرده در نظریه وی حجاب مانع دانش و آموزش هست به همین سبب لاهوتی در سراسر اشعار درباره دانش و آموزش دختران بدون حجاب تاکید کرده است.

فیض احمد فیض اوضاع زنان پاکستان را از لحاظ گوناگون بیان کرده است. یک طرف اوضاع زنان عمومی بیان نموده به طرف دیگر درباره اوضاع زن بیوه بیان کرده است. که زن بیوه در اجتماع پاکستان با مسایل گوناگون دچار هست. جبر و استبداد مرد نسبت به زنان خیلی زیاد شده است. این اوضاع در سراسر اشعار فیض دیده می شود. فیض درباره بدیهای جنسی نسبت به زنان در اشعار خود بیان کرده است. فیض سراسر اوضاع جامعه پاکستان با دقت مشاهده کرد و آن اوضاع را در اشعار خود آورده. لاهوتی در اشعار خود مسایل زنان در آورده. و به دانش آموزش دختران تشویق نموده.

میهن دوستی:

موضوعات میهن دوستی را شاعران قرن بیستم میلادی در اشعار خود آورده اند. در هند اقبال، جوش، حفیظ جالندهری و فیض و غیر آنها بر این موضوع شعر سروده اند. در ایران هم عده کثیر شاعران عصر بیداری بر این موضوع شعر سروده اند. اوضاع هند و ایران خیلی مشابهت دارد. آن زمان حکومت انگلیسی بر هند حکومت می کرد و در ایران حکومت پادشاهی بود که با کمک خارجیان حکومت می کرد. در هند برای استقلال خود مردم علیه حکومت انگلیسی تظاهرات می کردند. در ایران برای دموکراسی بر خلاف پادشاه و نیروهای استعماری ایرانیان تظاهرات می کردند.

فیض احمد فیض و ابوالقاسم لاهوتی شاعر ترقی خواه بودند
 او در اشعار خودشان موضوع وطن دوستی آورده اند. بوسیله این
 اشعار میهن پرستانه، اوضاع کشور خود بیان نموده اند. لاهوتی دوران
 انقلاب مشروطیت درباره وطن دوستی شعر سروده است. او علیه
 نیروهای استعماری و حکومت استبدادی بیدار کرده است در نتیجه این
 لاهوتی تبعید شده. اشعاری که لاهوتی که درباره وطن دوستی سروده
 ازینطور هست:

وطن ویرانه از یارست یا اغیار هردو؟
 مصیبت از مسلمانها است یا کفار هردو؟
 همه داد وطن خواهی زنندا ما نمی دانم
 وطن خواهی به گفتار است با کردار هردو؟
 وطن را فتنه مسند نشینان داد بر دشمن
 ویا این مردم بی دانش بازار با هردو
 به قتل و غارت دهقان و استثمار زحمتکش
 فقط مسجد بود بانی یاد ربا ربا هردو
 وکیلان وزیرانند خاین فاش میگویم
 اگر در زیر تیغ یا به روی دار هردو (۱۷)

فیض احمد فیض در دوران زندان درباره وطن دوستی شعر
 سروده او در پاکستان دموکراسی اصلی می خواست به همین سبب او بر

خلاف حکومت پاکستان شعر سرودہ۔ فیض احمد فیض بوسیله اشعار میهن پرستانہ خود مردم پاکستان بیدار کرد ویدیہای کہ در نظام حکومت پاکستان بود، ذکر نموده میهن پرستانہ اشعار فیض ازینطور هست۔

نثار تیرے گلیوں کے اے وطن کہ جہان
چلی ہے رسم کہ کوئی نہ سر اٹھا کے چلے
جو کوئی چاہنے والا طواف کو نکلے
نظر چرا کہ چلے جسم و جان بچا کے چلے
بہت ہے ظلم کے دست بہانہ جو کے لئے
جو چند جنوں تیرے نام لیوائیں ہیں
بنے ہیں اہل ہوس مدعی بھی منصف بھی
کسے وکیل کرین کس سے منصفی چاہے
گر تجھ سے جدا ہیں تو کل بہم ہوں گے
یہ رات بھر کی جدائی تو کوئی بات نہیں
گر آج اوج پہ ہے طالع رقیب
یہ چار دن کی خدائی کوئی بات نہیں (۱۸)

وطن دوستی در اشعار لاهوتی و فیض وجود دارد۔ لاهوتی درباره
وطن دوستی آن وقت سرودہ کہ بر ایران نیروهای خارجی تسلط
داشت۔ لاهوتی پرسید کہ وطن از اغیار یا یار ویران شدہ۔ وطن خواہی

فقط به گفتار است باکردار یا برای وطن خواهی هر دو لازم است. لاهوتی در اشعار فوق درباره قتل و غارت دهقان و استثمار زحمتکشانش بوسیله نیروهای و استعماری بیان کرده است.

فیض احمد فیض در اشعار مزبور میهن پرستی بیان کرده است. بوسیله این اشعار بر نظام حکومت انتقاد نموده و اوضاع کشور پاکستان هم ذکر نموده. در بند آخر این اشعار فیض لهجه رجائی دارد او به وطن گفته که عنقریب باهم خواهم شد.

اشعار لاهوتی و فیض از وطن دوستی مملو اند آنان بوسیله اشعار میهن پرستانه، اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور خود بیان نموده اند. آنان برای دموکراسی در کشور خود سعی نمودند. فرق بین شعر لاهوتی و فیض این است که لاهوتی برای ختم کردن حکومت پادشاهی سعی می نمود و فیض به اصلاح نظام پاکستان سعی می کرد.

طبقه زحمتکشانش :

دوران نهضت مشروطیت در ایران شاعران و نویسندگان به مسایل کشاورزان، رنجبران، و تهیدستان مورد توجه قرار دادند. همانطور در هند پس از تشکیل انجمن مصنفین ترقی خواه ادب شاعران و نویسندگان درباره مسایل زحمتکشانش و کشاورزان و تهیدستان مورد بحث قرار دادند. نویسندگان و شاعران هند و ایران از انقلاب بالشوکی تاثیر گرفتند. به همین سبب اشعار لاهوتی و فیض مربوط به مسایل طبقه

زحمتکشان وکشاورزان اند۔ بطور نمونہ اشعار لاهوتی ملاحظہ بکنید۔

بجمعی گفت دهقانی ستمکش
 کہ بد بخت وپریشان روزگارم
 تمام عمر خود زحمت کشیدم
 ولیکن ماصالی جز غم ندارد
 نہ گاوی تا از او شیری بدوشم
 نہ مرزی تا در آن تخمی بکارم
 کشم من رنج و مالک میبرد سود
 پی نا روز و شب اینست کارم (۱۹)

و اشعار فیض ہم ملاحظہ بکنید

جب کہیں بیٹھ کے روتے ہیں وہ بیکس جن کے
 اشک آنکھوں میں بلکتے ہوئے سوجاتے ہیں
 ناتوانوں کے نوالوں پہ جھپٹتے ہیں عقاب
 بازو تولے ہوئے منڈلاتے ہوئے آتے ہیں
 جب کبھی بکتا ہے بازار میں مزدور کا گوشت
 شاہراہوں پہ غریبوں کا لہو بہتا ہے
 آگ سی سینے میں رہ رہ کے ابلتی ہے نہ پوچھ
 اپنے دل پہ مجھے قابو ہی نہیں رہتا ہے (۲۰)

اشعار لاهوتی و فیض خیلی مشابہت دارد۔ زیرا کہ از اشعار فوق

الذکر معلوم شد که اوضاع زحمتکشان هر دو کشور یکسان هست
 زحمتکشان ایران و هند از نیروها استعماری و نظام سرمایه داری خیلی
 پریشان بودند و با مسایل گوناگون دوچار بودند. در هند و ایران
 زحمتکشان استثمار کرده شده اجرت مناسب نه داده شده به سبب
 جاگیرداری اوضاع آنان خیلی بدتر شده بود. آنان باگر سنگی و فقر
 و فلاکت دچار بودند. همه این اوضاع زحمتکشان لاهوتی و فیض با دقت
 مورد مطالعه قرار دادند و در اشعار خود آوردند.

نظام سرمایه داری:

نظام سرمایه داری و نیروهای استعماری در هند و ایران تسلط
 داشتند. به همین سبب نویسندگان و شاعران آن کشورها برخلاف نظام
 سرمایه، مردم را بیدار کردند و نظام سرمایه داری را مورد انتقاد نمودند
 در قرن بیستم میلادی در هند و ایران نظام سرمایه داری خیلی پیشرفت
 می کرد. به همین سبب شاعران و نویسندگان کشور ایران و هند برخلاف
 نظام سرمایه داری شعر فراوان سرودند. بطور نمونه اشعار لاهوتی
 ملاحظه بکنید.

در اقلیم سودگران زر خداست
 به زر کسی بنده بینواست
 در آنجا که صد قصر آباد هست
 میبندار یک روح آزاد هست

امیر و وزیر دبیر و فقیر
 بقانون سرمایه هستند اسیر
 ندارد بفردای خود اعتماد
 نه خدمت نه دانش نه دکان نه کار
 ندارد هیچ کس اعتبار
 نه بینند کوران‌ه راه نجات
 حریضد یکسرتتحصل زر
 تباهی کند و سیاهی کند
 پی کسب زر هرچه خواهی کنند (۲۱)

اشعار فیض ملاحظه بکنید

دیکه کرآهن گرکی دکان
 تند هیس شعلے سرخ هے آهن
 کهلنے لگے قفلوں کے دهانے
 پهیلا هراک زنجیر کا دامن (۲۲)

اشعار لاهوتی و فیض بر خلاف نظام سرمایه داری است. آنان
 نظام سرمایه داری را انتقاد نمودند. لاهوتی در اشعار خود گفته است
 که برای سوداگران زر خداست در کشور سوداگران مردم تعداد زیادی
 زندگی می کند ولی روح آنان آزاد نیست. امیر و وزیر، دبیر و فقیر همه در
 نظام سرمایه داری گرفتار اند سوداگران برای زر تباهی و نابودی می

کردند. فیض هم نظام سرمایه داری انتقاد نموده، فیض بیشتر افکار خود با استعاره بیان کرده است. مثلاً در اشعار مزبور نظام سرمایه داری از دکان آهن‌گر استعاره است. اشعار لاهوتی و فیض علیه نظام سرمایه داری است.

ظلم و استبداد طبقه بورژوازی:

طبقه بورژوازی در کشور هند و ایران خیلی مستحکم بود آن بر طبقه زحمتکشان و کشاورزان ظلم می‌کرد در ایران نظام جاگیرداری در ایران و پاکستان نفوذی داشت. به همین سبب طبقه جاگیردار مظلوم و استثمار‌گوناگون بر طبقه مادون و طبقه رنجبران و کشاورزان رامی‌کرد. به همین سبب لاهوتی و فیض در کشور خود برخلاف این مظلوم صدا بلند کردند. اشعار لاهوتی ازینطور هست.

ظلمهای راکه از صنف توانگر دیده ام
 بدتر از شاهم زجنس جانور گردیده ام
 گرنویسم شرح آن صد کتاب افزون شود
 آن خیانتها که از دستار و افسرده دیده ام
 از برای منفعت یا فتوی شیخ کشیش
 دستها آفشته در خون برادر دیده ام
 در محیط بورژوازی زحمت آزاد نیست
 آن بسا سرها که غلتان از پی زردیده ام (۲۳)

اشعار فیض ملاحظہ بکنید۔

کچھ محتبسوں کی کچھ واعظ کے گھر جاتی ہے
 ہم بادہ کشوں کے حصے کی اب جام میں کمتر جاتی ہے
 یوں عرض و طلب سے کب اے دل پتھر پانی ہوتے ہیں
 تم لاکھ رضا کی خو ڈالو کب خونے ستمگر ہوتے ہیں
 بیداد گروں کی بستی ہے یاں داد کہاں خیرات کہاں
 سر پھوڑتی پھیرتی ہے ناداں فریاد جو در جو جاتی ہے (۲۴)

لاہوتی و فیض اشعار خود دربارہ مظالم طبقہ بورژوازی بیان
 نموده اند۔ در اشعار، بر علماء ہم انتقاد نموده کہ برای نفع خود فتویٰ
 می دهند۔ فیض احمد فیض همانطور بر خلاف ظلم و استبداد بی عدالتی
 تعصب و ہمہ بدیہای کہ در پاکستان وجود داشته صدا بلند کرده است۔
 زیرا کہ در پاکستان از آغاز نظام زمینداری وجود دارد بہ سبب این نظام
 در پاکستان، نا برابری اجتماعی و اقتصادی زیاد شد۔ سیاستمدار
 پاکستان ورہبران مذہبی، بی عدالتی و نابرابری را روا داشتند فیض
 احمد فیض آنان را مورد انتقاد نموده۔ اشعار ذیل را ملاحظہ بکنید۔

یوں پیر مغان شیخ حرم سے ہوئے یک جاں
 میخانے میں کم ظرفی پرہیز بہت ہے
 اگر گردنِ مخلوق جو ہر حال میں خم ہے
 اک بازوئے قاتل ہے کہ خون ریز بہت ہے

یہ برہمن کا کرم، وہ عطاءے شیخ حرم

کبھی حیات کبھی مے حرام ہوتی ہے (۲۵)

فیض احمد فیض و ابو القاسم لاهوتی نظام جاگیرداری و علماء را

انتقاد نموده در نظریہ آنان ہمہ بدیہای در جامعہ وجود دارد سبب علماء

و جاگیردار است۔

زحمت طفلان : در ایران و پاکستان بہ سبب تہدیدستی بچہ های این

کشور از آموزش و پرورش محروم می شدند۔ و زحمت کشیدند۔ اشعار

لاہوتی و فیض دربارهٔ زحمت طفلان کارگران نشان داده اند۔ اشعار

لاہوتی ملاحظہ بکنید۔

دختر شش سالہ درکارگہ از بہرنان

چارہ ساعت بزحمت بل فزونتر دیدہ ام

کارگرہا را درون کان و اندر چاہ نفت

خواجہ را بار یا سیمین بر بہ بستر دیدہ ام (۲۶)

اشعار فیض ملاحظہ بکنید۔

پڑھنے والوں کے نام

وہ جو اصحابِ طبل و علم

کے دروں پر کتاب اور قلم

کا تقاضہ لئے، ہاتھ پھیلائے

پھنچے، مگر لوٹ کر گھر نہ آئے

وہ معصوم جو بھولپن میں

وہاں اپنے ننھے چراغوں میں لوکی لگن

کے کے پھنچے

بٹ رہے تھے، گھٹا ٹوپ، بے انت راتوں کے سائے (۲۷)

لاہوتی در اشعار خود دربارهٔ زحمت دختر شش سالہ بیان کردہ

است. و فیض احمد فیض ہم دربارهٔ زحمت کشیدن بچہ در اشعار خود

بیان کردہ است کہ آن بچہ برای تعلیم خود از خانہ می رود بہ برای

کتاب و قلم بہ دربار صاحب طیل و علم می رود و از آنان برای کتاب و قلم

تقاضہ می کند ولی آن بچہ بہ خانہ باز نمی گردد.

لاہوتی و فیض ہمہ مسایل اجتماع کشور خود در اشعار آورده

اند کہ از لحاظ فکر ہمگون و ہمجور میباشند.

منابع و مأخذ

- (۱) لاهوتی ابو القاسم ، دیوان ، ص: ۲۷۲.
- (۲) لاهوتی ابو القاسم ، دیوان ، ص: ۲۷۷.
- (۳) فیض احمد فیض ، دست صبا، ص: ۴۲، نسخه های وفا: ۱۳۸.
- (۴) فیض احمد فیض ، دست صبا، ص: ۲۲-۲۰، نسخه های وفا: ۱۱۸-۱۱۶.
- (۵) فیض احمد فیض ، دست تهه سنگ، ص: ۵۲، نسخه های وفا: ۳۶۴.
- (۶) لاهوتی ابو القاسم ، دیوان ، ص: ۲۳۹.
- (۷) لاهوتی ابو القاسم ، دیوان ، ص: ۳۶۵.
- (۸) لاهوتی ابو القاسم ، دیوان ، ص: ۲۸۳.
- (۹) فیض احمد فیض ، نقش فریادی، ص: ۵۶، نسخه های وفا: ۶۴.
- (۱۰) لاهوتی ابو القاسم ، دیوان ، ص: ۶۷.
- (۱۱) فیض احمد فیض ، نقش فریادی، ص: ۵۶، نسخه های وفا: ۷۰.
- (۱۲) مرزا دکتر ایوب، فیض نامه ص: ۴۶۷-۴۶۶.
- (۱۳) لاهوتی ابو القاسم ، دیوان ، ص: ۴۱۶.
- (۱۴) فیض احمد فیض ، نقش فریادی، ص: ۸۲، نسخه های وفا: ۹۰.
- (۱۵) لاهوتی ابو القاسم ، دیوان ، ص: ۱۱-۱۰.
- (۱۶) فیض احمد فیض ، سر وادی سینا، ص: ۲۲، نسخه های وفا: ۳۶۶.
- (۱۷) علی شیر لایق ، آفتاب سرخ، ص: ۲۱-۲۲.
- (۱۸) فیض احمد فیض ، دست صبا، ص: ۶۶-۶۵، نسخه های وفا: ۱۶۲-۱۶۱.
- (۱۹) علی شیر لایق ، آفتاب سرخ، ص: ۹۹.
- (۲۰) فیض احمد فیض ، نقش فریادی، ص: ۶۲، نسخه های وفا: ۷۰.
- (۲۱) لاهوتی ابو القاسم ، دیوان ، ص: ۹۸.
- (۲۲) فیض احمد فیض ، نقش فریادی، ص: ۷۳، نسخه های وفا: ۸۱.
- (۲۳) علی شیر لایق ، آفتاب سرخ، ص: ۷۴.

- (۲۴) فیض احمد فیض، زندان نامه، ص: ۸۰، نسخه های وفا: ۲۷۰.
- (۲۵) فیض احمد فیض، شام شهریاران، ص: ۶۹-۶۱، نسخه های وفا: ۵۴۷-۵۳۹.
- (۲۶) علی شیر لایق، آفتاب سرخ، ص: ۷۵.
- (۲۷) فیض احمد فیض، سر وادی سینا، ص: ۲۳-۲۲، نسخه های وفا: ۳۹۷-۳۹۶.

نتیجه گیری

سرزمین ایران و هند از زمان قدیم با هم ارتباط فرهنگی و تمدنی دادند. این ارتباط از دوره باستان تا امروز هم مشاهده می شود. در قرن بیستم میلادی پیوند و ارتباط هم این گونه بنظر می خورد. خلال این قرن در هر دو کشور نهضت های گوناگون بوجود آمد. و برای استقلال علیه حکومت خارجیان تظاهرات و اعتراضات شدیدی پدیدار شد. در این قرن در ایران اگر طبقه های مختلفی مانند طبقه علماء روحانیون، طبقه ملاک، و فئودالها، طبقه حاکم، طبقه اشراف طبقه زحمتکشان، و کشاورزان وجود داشت. در هند هم نهضت های کشاورزان و زحمتکشان وجود داشته. علاوه بر این سنت گرائی مذهبی و انز کلنگ در هند ادامه داشته. و در تأثیرات همین نهضت ها، بسیاری از نویسندگان و شاعران در هر دو کشور ظاهر شدند. از آن میان ابو القاسم لاهوتی در ایران و فیض احمد فیض در شبه قاره هند را میتوان نام برد.

ابو القاسم لاهوتی یکی از سخنوران دوره مشروطیت و شاعر ملی، خالق تاجیکستان و پیرو کار استاد عینی بود. وی موضوعاتی مانند کمیونیسم، سوسیالیسم، فاشیسم، آزادی کشور، و کشاورزان، میهن پرستی و مفاسد نظام سرمایه داری، بد بختی زحمتکشان، ظلم و استبداد طبقه بورژوازی و زحمت طفلان ورنج دهقانان را در اشعار خود گنجانیده.

مانند لاهوتی فیض احمد فیض در شبه قاره هند هم وجود داشت. وی یکی از معروفترین شاعران زبان اردو به شمار می رود، وی مسافرت به کشورهای خارجی نمود، و به انقلاب شوروی که در سال ۱۹۱۷ بوقوع پیوست، تأثیر گرفت. فیض احمد فیض نهضت ترقی خواه ادب که در سال ۱۹۳۶ میلادی آغاز گردید عضویت آن گرفت.

اقتصادی هند که به سبب وقوع پذیرفتن هر دو جنگ جهانی، دگرگون شد و مردم دچار گرسنگی و فقر و به نتیجه آن تفاوت طبقاتی به بالا رفته بود. فیض را بسیار متالم گردانید، و فیض این اوضاع را با شدت احساس کرد. و اشعار را وسیله انعکاس مسایل مردم عامه ساخت. همین سبب در اشعار وی سخنی از انقلاب، اندیشه های اشتراکی، کمیونیسم کشاورزان، کارمندان، زنان، سوسیالزم، میهن دوستی، و انتقاد بر نظام سرمایه داری دیده می شود.

پس به مطالعه اشعار هر دو شاعر بر می آید که هر دو شاعر از تحولات گوناگون که به سبب انقلاب روس بوقوع آمده بود، تأثیر گرفته بودند، با وجود این که هر دو شاعر در کشور مختلف زندگی می کردند. آنان افکار یکسان داشتند. و مسایل حقوق بینوایان، ستمدیدگان رنجبران، کارگران، کشاورزان، و زنان در اشعار خود مورد بحث قرار داده اند.

میهن دوستی در اشعار شاعران قرن بیستم میلادی بنظر می

خورد. این شیوه را فیض و لاهوتی هم بکار برده اند، لاهوتی درباره وطن دوستی به آن وقت شعرها سروده که بر ایران نیروهای خارجی تسلط داشتند. فیض بمقابله آن اشعار ازین قبیل در آن وقت سروده که وی در زندان انداخته بود.

اشعار لاهوتی و فیض علیه نظام سرمایه داری هم است آنان نظام سرمایه داری را مورد انتقاد نموده اند.

در ایران و شبه قاره هند طبقه پورزوازی خیلی زور مند بود و بر طبقه زحمتکشان و کشاورزان ظلم می آورد. فیض و لاهوتی در کشور خود شان علیه این مظالم بوسیله اشعار خودشان تظلم کرده اند. اینها علیه زحمت طفلان و کارگران که در هر دو کشور وجود داشت مخالفت نموده اند.

پس روشن شد که لاهوتی و فیض نمایان گر مسایل اجتماع کشور خود شان می باشند.

فهرست منابع و مراجع

منابع فارسی

- | سال | انتشار | نام کتاب | نام مولف |
|--------|---------------------|--|----------------------------|
| ۱۳۶۳ | تهران | شعر معاصر | ۱- آذر خشی |
| ۱۳۷۵ | انتشارات زوار تهران | از صبا تا نیما جلد اول و دوم | ۲- آرین پوریچی |
| ۱۳۷۵ | انتشارات زوار تهران | از نیما تا روزگار ما | ۳- آرین پوریچی |
| | امیر کبیر تهران | ادبیات نوین ایران | ۴- آژند یعقوب |
| ۱۳۶۱ | به موسسه انتشارات | بررسی ادبیات امروز ایران | ۵- استعلامی محمد
(دکتر) |
| | امیر کبیر تهران | | |
| ۱۳۶۲ | از چاپ مروارید | تاریخ ادبیات ایران (از چاپ مروارید
صفوی تا عصر امروز | ۶- براون ادوارد |
| ۱۳۷۳ | | شعر فارسی از آغاز تا امروز هیر مند | ۷- پروین شکیبا |
| ۱۳۷۲ | دانشگاه پیام نور | ادبیات معاصر ایران | ۸- حاکمی اسماعیل |
| ۱۳۵۱ | انتشارات خوارزمی | شعر نو از آغاز تا امروز | ۹- حقوقی محمد |
| ۱۳۵۶ | امیر کبیر تهران | تاریخ اجتماع ایران جلد دوم | ۱۰- راوندی مرتضی |
| ۱۳۶۵ | انتشارات طوس | چشم انداز شعر نو فارسی | ۱۱- زرین کوب، حمید |
| ۱۹۸۷ م | موسسه نشرانی | آفتاب سرخ ابوالقاسم | ۱۲- شیر علی، لایق |
| | "رادوگا" مسکو | لا هوتی | |
| ۱۳۵۹ | انتشارات طوس | ادوار شعر فارسی از انتشارات طوس
مشروطیت تا سقوط سلطنت | ۱۳- کدکنی محمد رضا |
| | | | شفیعی |
| ۱۳۵۶ | امیر کبیر | تاریخ مشروطه ایران | ۱۴- کسروی احمد |

- ۱۵- کیانوش محمد بررسی شعر و نثر فارسی انتشارات امانی ۱۳۵۱
- ۱۶- لاهوتی ابو القاسم دیوان اداره نشریات به ۱۹۴۶ م
زیانها خارجی مسکو
- ۱۷- لنگرودی شمس تاریخ تخیلی شعر نو نشر مرکز تهران ۱۳۵۷
- ۱۸- مینوی مجتبی شعرها معاصر در ایران راهنمائی کتاب ۱۳۵۳
- ۱۹- یاسمی رشید ادبیات معاصر امیر کبیر تهران ۱۳۱۵
- ۲۰- علوی، بزرگ تاریخ تحول ادبیات المان ۱۹۶۴ م
معاصر فارسی
- ۲۱- نوری علاء اسماعیل سورا سباب در شعر امروز چاپخانه با مداد ۱۳۶۸
- ۲۲- یاحقی، جعفر چون سبوی تشنه چاپ نیل ۱۳۷۵
- ۲۳- یوسفی غلام حسین چشمه روشن دیداری با انتشارات علمی ۱۳۷۰
- شاعران
- ۲۴- بهار، محمد تقی ملك تاریخ مختصر احزاب تهران ۱۳۲۳
الشعراء سیاسی
- منابع و مأخذ اردو
- ۱- احسن، الظفر سید عصری فارسی شاعر علی پریس لکهنؤ ۱۹۸۹
وشعراء
- ۲- احمد ظهور الدین نیا ایرانی ادب ضیائی ادب لاهور ۱۹۹۵
(دکتر)

- ۳۔ اکبر رضیہ (دکتر) ایران میں جدید فارسی اعجاز پریس حیدر ۱۹۵۱
ادب کے پچاس سال آباد
- ۴۔ احمد عزیز ترقی پسند ادب انجمن ترقی اردو ہند
علیگر
- ۵۔ احمد کلیم الدین اردو شاعری پر ایک نظر پٹنہ لیتھو پریس پٹنہ ۱۹۸۳
- ۶۔ اشرف امرہانی کلاسیکینت ورومانیت ایجوکیشنل بک ہاؤس ۱۹۸۲
- ۷۔ اعظمی خلیل اردو میں ترقی پسند ادبی ایجوکیشنل بک ہاؤس ۱۹۸۴
الرحمان تحریک علیگر
- ۸۔ آغا دکترو وزیر اردو شاعری کا مزاج ایجوکیشنل بک ہاؤس ۱۹۷۵
علیگر
- ۹۔ بریلوی ڈاکٹر عبارت جدید اردو شاعری ایجوکیشنل بک ہاؤس
علیگر
- ۱۰۔ چشتی ڈاکٹر عنوان اردو شاعری میں جدیدیت اردو سماج جامعہ نگر ۱۹۷۷
کی روایت نئی دہلی
- ۱۱۔ انجم تجمل حسین پاکستان تاریخی و سیاسی نذیر سنز پبلیشرز ۱۹۹۳
جائزہ لاہور
- ۱۲۔ چودھری ڈاکٹر فیض کی شاعری ایک شان پبلشنگ ہاؤس ۱۹۸۵
نصرت مطالعہ سری نگر کشمیر
- ۱۳۔ متیب الرحمن (دکتر) جدید فارسی شاعری ادارہ علوم اسلامی ۱۹۵۹
علیگر

- ۱۴۔ چودھری ڈاکٹر فیض احمد فیض روایت سیمانٹ پرکاش دہلی ۱۹۹۵
نصرت اور انفرادیت
- ۱۵۔ حسنین ڈاکٹر ظفر مزاحمت اور پاکستان اردو ایجوکیشنل پبلشنگ ۲۰۰۶
آغا شاعری ہاوس دہلی
- ۱۶۔ حنفی ڈاکٹر شمیم نئی شعری روایت مکتبہ جامعہ لمیٹڈ دہلی ۱۹۷۷
- ۱۷۔ مطالعہ فیض امریکہ ایجوکیشنل پبلشنگ ۱۹۹۶
وکنیڈا میں ہاوس دہلی
- ۱۸۔ حسین اشفاق مطالعہ فیض یورپ میں ایجوکیشنل پبلشنگ ۱۹۹۶
ہاوس دہلی
- ۱۹۔ عقیل ڈاکٹر معین اشاریہ کلام فیض اعتقاد پبلشنگ ہاوس ۱۹۷۸
الدین دلی
- ۲۰۔ ظہیر سجاد روشنائی سیما پیلی کیشنز نئی
دہلی
- ۲۱۔ فیض احمد فیض نسخہ های وفا ایجوکیشنل پبلشنگ ۲۰۰۵ م
ہاؤس، دہلی
- ۲۲۔ حسین اشفاق فیض حبیب عنبر دست سنگ میل پیلی کیشنز ۱۹۹۲
لاہور
- ۲۳۔ ماہلی شاہد فیض احمد فیض عکس ثمر آفسٹ پریس دہلی ۱۹۸۷
اور جھٹیں
- ۲۴۔ حسین سید احتشام جدید ادب منظر اور پس مکتبہ جامعہ لمیٹڈ دہلی ۱۹۷۸
منظر

- ۲۵۔ صدیقی ظہیر احمد جدید شعری ایجوکیشنل بک ہاوس ۱۹۹۳
علیگڑہ
- ۲۶۔ ماہی شاہد فیض احمد فیض معیار پبلی کیشنز ۱۹۸۷
- ۲۷۔ مرزا ڈاکٹر ایوب فیض نامہ خدا بخش اورینٹل پبلک ۲۰۰۲
لائبریری پٹنہ
- ۲۸۔ راشدن م جدید فارسی شاعری مجلس ترقی ادب لاہور ۱۹۸۷

مجلہ

- ۱۔ افکار (فیض نمبر) کراچی ژانویہ ۱۹۶۵
- ۲۔ افکار علیگڑہ ژوئن، ۱۹۸۳
- ۳۔ شبستان (فیض نمبر) نئی دہلی، ۱۹۸۵
- ۴۔ فن اور شخصیت (فیض ممبئی، ژوئن، ۱۹۸۱)
- (نمبر)

منابع و مآخذ انگلیسی

1. Browne, Edward Persian Revolution of 1905- 1909, Cambridge, Granville 1910.
2. Browne, Edward The Prose and Poetry of Modern Persia, Granville Cambridge, 1914.
3. Browne, Edward A Literary History of Persia, 4 Vols; Granville Cambridge, 1951-1953.
4. Ishaque, M Modern Persian Poetry, Calcutta, 1950.
5. Jackson, A.V.W. Early Persian Poetry, New York, 1920.
6. Sykes, Percy A History of Persia, 2 Vols, London, 1951.
7. Wilber, Donald N. Iran Past and Present, Princeton, 1955.

*Comparative Study of the Poetry of Abul
Qasim Lahuti and Faiz Ahmad Faiz*

(Mutala-e-Tatbiquee-e-She're Abul Qasim Lahuti
Wa Faiz Ahmad Faiz)

*Dissertation Submitted to the Jawaharlal Nehru University in Partial
fulfillment of the requirements for the award of
the degree of*

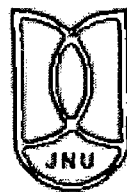
MASTER OF PHILOSOPHY

By

Razi Haidar

Under the Supervision of

Dr. Akhlaque Ahmad Ansari



Centre for Persian & Central Asian Studies
School of Language, Literature and Culture Studies
Jawaharlal Nehru University
New Delhi-110067

2008